قدس زندگی

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ | ۱۰ مارس ۲۰۱۹
۳ رجب ۱۴۴۰
سال سی و دوم
شماره ۸۹۲۳
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

نگاهی ادبی به جهان نقاشی‌های «باب راسی» در یادداشتی از علی داوودی

# این «کلبه» خانه ما نیست

۱۴

دکتر وکیلی در گفت‌وگو با قدس به مناسبت سالروز شهادت امام هادی مطرح کرد

# رشد کیفی جامعه شیعه بستر صدور «جامعه کبیره»

۱۱

عکس: امیر حسام نژاد

۱۰

## مردم

مخترع کاهگل نانو، معتقد است توانسته این مصالح باستانی را به معماری ایران برگرداند

# صنعتِ سنّت

جایی در رؤیاهای دیر و دوری که نه هیچ وقت فراموششان می‌کنیم، نه سراغی ازشان می‌گیریم، همه ما یک خانه دلباز کاهگلی داریم؛ خانه‌ای با دیوارهای نه چندان بلند؛ با حوض و باغچه و شمعدانی؛ با ابر و آفتاب و آسمان. باران که ببارد، عطر کاهگل می‌پیچد توی حیاط آجرفرش. آن وقت آدم هوس می‌کند استکان چای پر رنگش را بردارد برود بگذارد لب هِرّه دیوار. زل بزند به آسمان ابری و تـا جایی که می‌تواند، بوی کاهگل نم خورده را فرو بدهد در ریه‌های رخوت گرفته‌اش. در پس پسله‌های ذهن همه ما آدم‌های خسته و بی‌حوصله، جایی هست که همیشه خدا بوی کاهگل نم خورده می‌دهد؛ بوی خاطره‌های خاک گرفته؛ خاطره‌هـای دیر و دوری که لابد یک روز خـوب، نزدیکی‌های نـوروز، در یک جای دور، اتفاق افتاده است.خانه‌های کاهگلـی، جزیـی از خاطـره جمعی ما ایرانی‌هاست. خاطره‌هایی که حالا به همت یک جوان نخبه شیرازی، دارد دوبـاره جـان می‌گیرد. «حبیـب مشـکین فـام»، دانشـجوی کارشناسی ارشد مرمت بنا در دانشگاه تهران؛ رتبه ۲ کنکور کارشناسـی ارشـد مرمت در سال ۹۷، مخترع برتر شیراز در سال ۹۵ و برگزیـده جشـنواره اختراعات بنیاد ملی نخبگان در سال ۹۳، با استفاده از فناوری نانو، کاهگل مقاوم و ...

۱۴

## ادب و هنر

قدس از بی‌توجهی به ادبیات کشورهای عرب‌زبان گزارش می‌دهد

# غرب‌زدگی در ترجمه‌های ادبی

۱۵

## سیما و سینما

نرگس آبیار در پاسخ به پرسش‌های قدس از «شبی که ماه کامل شد» می‌گوید

# نمی‌خواستم فیلمِ هالیوودی بسازم

فیلم «شـبی که ماه کامل شد» آخرین سـاخته نرگس آبیار با نامزدی در ۱۳ رشته جشـنواره فیلم فجر امسال توانست ۶ سـیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهتریـن کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مـرد، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهتریـن بازیگر نقش مکمل زن و بهترین چهره‌پردازی را به خود اختصاص دهد. کارگـردان این فیلم در جمـع علاقه‌مندان به فیلمسـازی در پردیس سینمایی هویزه حضور یافت و به پرسـش‌ها پاسـخ داد. آبیار به پرسـش‌های خبرنگار قدس در خصـوص آخرین فیلمش پاسـخ داد و دربـاره موضوع فیلم گفت: می‌خواسـتم درباره افراط‌گری دینی فیلم بسازم چون ...

۱۶

## ایستگاه

«فائزه هاشمی» به دنبال چیست؟

# به نام «زنان» به کام «سیاست»

## مجازآباد

### اسطوره‌ماندگار

همزمان با سـالگرد شهادت شهید همت، صفحه اینستاگرام «دفاع مقدس» بخشی از بیانات رهبر انقلاب درباره شهید همت را منتشـر کرد که در ادامـه می‌خوانید: «رهبر انقلاب: دفاع مقدس موجب شـد کـه هر کدام از جوانـان معمولی و عادی ما که در این بوته آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علوّ مرتبه انسانی بالاتر بروند. این شخصیت‌های برجسته و مهم، همت‌ها، خرّازی‌ها، شما خیال می‌کنید [چگونه بودند؟] شهید همت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خرّازی که یک اسطوره اسـت، جوان‌های معمولی بودند؛ جنگ [بود که] این‌ها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار».

### منشأ تحول

محمدباقر قالیباف با انتشـار پستی در اینسـتاگرام به انتصاب حجت الاسـلام والمسـلمین رئیسـی به ریاسـت قوه قضائیـه واکنش نشـان داد. قالیباف در اینستاگرامش نوشت: «با شناختی که به واسطه دوستی ۴۰ ساله از حجت الاسلام رئیسی دارم، مطمئنم که تمام تلاش خود را برای خدمت به مردم و تحقق آموزه‌های انقلاب در مسـئولیت جدید به کار خواهند گرفت. امیدوارم این برادر عزیز که اولین مسئولیتش، با حکم امام راحل و در دستگاه قضا بود در جایگاه ریاست قوه قضائیه منشأ تحول باشند همچنان که الحق در خدمت به زوار خورشید خراسان منشأ اثر و تحول بوده‌اند».

### دولت خودش را به خواب زده

محسن رضایی در ارتباط با بودجه سال ۹۸ در اینسـتاگرامش نوشت: «بودجه ۹۸ را در هیئت عالی نظارت بررسـی کردیم. دولت و مجلس نزدیک به سـه چهارم بودجه را در شرکت‌های دولتی بسـته‌اند که در اختیار مدیران اسـت. این بودجه، هیچ تناسبی با شـرایط تحریمی و جنگ اقتصادی ندارد. صرفه جویی در آن دیده نشـده است. ثانیاً مشارکت مردمی در آن ضعیف دیده شـده است. ثالثاً کسری بودجه را تشدید می‌کنـد. بودجه ۹۸ نشـان می‌دهد که دولـت، خود را به خواب زده اسـت».

### پاسخ کاربران به فائزه هاشمی

ادعای جنجالی فائزه هاشمی درمصاحبه با یورو نیوز مبنی بر اینکه تفکرات جمهوری اسلامی نسـبت به زنان، تفکرات داعشی است از طرف کاربران بدون پاسخ نماند و آن‌ها با هشتگ #فائزه_هاشمی پاسخ این ادعـای او را دادند. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «وقتی می‌گوییم آزادی واقعی در جمهوری اسـلامی وجود دارد بعضی‌ها عناد و انکار می‌کنند. آزادی واقعی یعنی همین که فائزه هاشـمی ۴۰ سال هر کاری خواسته کرده و امروز اینچنین حرفی می‌زند. جمهوری اسـلامی با وجود اعطای آزادی هم هزینه آزادی را می‌دهد هم هزینه نبود آزادی».

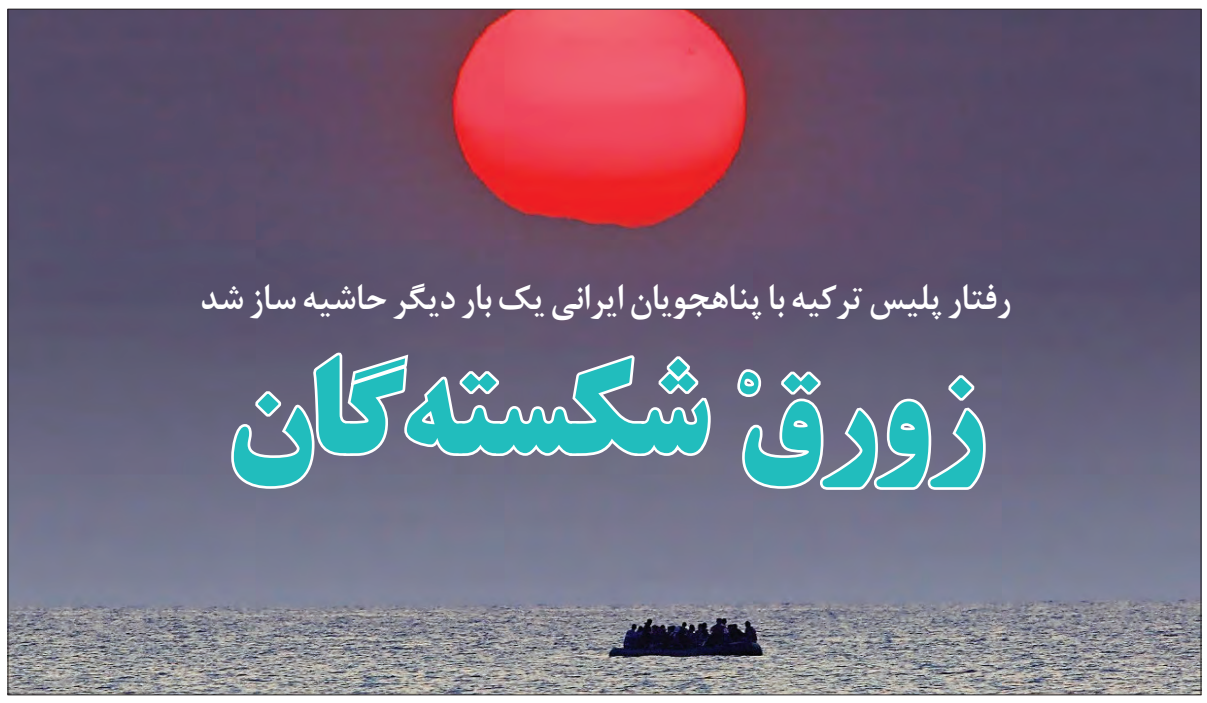

رفتار پلیس ترکیه با پناهجویان ایرانی یک بار دیگر حاشیه ساز شد

# زورقْ شکسته‌گان

محمد تربت‌زاده | می‌گویند سقف آرزوهایشان بلندتر از آن چیزی اسـت که من و شـما فکرش را می‌کنیم. آن قدر بلند که بام کوتاه ایران مجال پریدن را بهشـان نمی‌دهد! دار و ندارشـان را می‌فروشند و با کوله باری از آرزوهای محال برای همیشـه ترک وطن می‌کنند. بنا را بر این گذاشـته‌اند که چند صباحـی در ترکیه بمانند و اوضاع که رو به راه شـد راهی یونان شوند. چند صباحی را هم در یونان سر کنند و دست آخر برسند به بهشت گم شده‌شان یعنی اروپای غربی، آمریکا یا کانادا. این مسیری است که بیشتر پناهجویان ایرانی قبل از ترک ایران برای خودشان تصویر می‌کنند. اینکه قرار است آنجا چه گلی به سـر خودشان بزنند که اینجا نمی‌شده را خیلی هایشان نمی‌دانند. فقط شـنیده‌اند که اوضاع در اروپای غربی و آمریکا آن قدر ردیف است که یک ساله می‌توانند زندگی تباه شده‌شان را از نو بسـازند. چند صباح بعد اما سقف آرزوی خیلی‌هایشان به پیدا کردن لقمه نانی برای خوردن و جایی برای خوابیدن در محله‌های فقیر نشین «دنیزلی» تنزل پیدا می‌کند. البته اگر خوش شانس باشند و در میان راه طعمه قاچاقچی‌های انسان نشوند!

### اسپری فلفل

نام «دنیزلی» هر چند وقت یک بار سـر زبان‌ها می‌افتد. این سر زبان افتادن هم می‌تواند ماحصل غرق شدن چند قایق قاچاق انسان باشد یا رفتار ناجور اهالی و پلیس این شهر با پناهجویان ایرانی، سوری و افغانستانی. همین چند مـاه پیش بود که تصویر یک مغازه در شـهر دنیزلی در فضای مجازی جنجال به پا کرد. صاحب مغازه که ظاهراً از هجوم پناهجویان به شهرش به تنگ آمده بوده، بنری را با این مضمون می‌چسباند سر در مغازه‌اش: «شهروندان افغانستان، سوریه و ایران نمی‌توانند وارد این مغازه شوند و خرید کنند. اگر وارد شـوند، کتک می‌خورند»! بعد از جنجالی که بر سر این بنر نژادپرستانه در فضای مجازی راه افتاد، پلیس ترکیه بنر را از سر در این مغازه جمع کرده و صاحب مغازه را هم مدتی بازداشت کرد. چند روز پیش اما هشتگ #دنیزلی دوباره در فضای مجازی داغ شد. بهانه هم فیلمی بود که از حمله پلیس ترکیه با اسـپری فلفل به سمت پناهجویان ایرانی در فضای مجازی منتشر شده بود. ماجرا از این قرار بوده که جمعی از پناهجویان ایرانی و خارجی برای تمدید مدارک شناسایی خود رو به روی اداره مهاجرت شهر دنیزلی صف کشیده بودند که ناگهان پلیس دنیزلی به سـمت آن‌ها اسپری فلفل می‌زند! روایت‌های مختلفی دربـاره این ماجرا مطرح می‌شـود، اما یکی از صادقانه‌ترین روایت‌ها را یکی از پناهجویان ایرانی روایت کرده است: «در صف، یک پناهجوی ایرانی و افغانستانی با یکدیگر مشاجره کردند، اما این مشاجره بدون مشکلی تمام شد و با اینکه دیگر مشاجره‌ای وجود نداشت، پلیس بدون دلیل به سمت پناهجویان گاز فلفل زد». یکی دیگر از پناهجویـان هم می‌گوید: «هر بار که به اداره مهاجرت مراجعه می‌کنیم، این صف‌ها وجود دارد. با اینکه دنیزلی مملو از پناهجو است، اما باز هم پناهجویانی می‌آیند، زیرا سازمان ملل برای هر یک از پناهجویان ۳۰۰ دلار می‌دهد، اما هیچ پولی به دست ما نمی‌رسد».

بعـد از این جو فضای مجازی علیه پلیس ترکیه آن قدر متشنج شد که فرماندار دنیزلی اعلام کرد: «مأمور پلیس که بدون دلیل علیه پناهجویان ایرانی گاز فلفل استفاده کرده، از کار خود تعلیق شده است».

### چرا دنیزلی؟

اینکه انبوه پناهجویان ایرانی در دنیزلی چه کار می‌کنند اما داستان مفصلی دارد. طبق قانون ترکیه، هر پناهجوی ایرانی برای مصاحبه اولیه با دولت ترکیه باید بین ۱۰ ماه تا دو سـال منتظر بماند. آن وقت اگر شانس بیاورد و از طرف دولت ترکیه به عنوان پناهنده قانونی تأیید شود، باید برای جلب رضایت کشور ثالثی که قرار است پل عبورش به اروپای غربی، آمریکا و کانادا باشـد، وارد عمل شـود. این کشور ثالث معمولاً یونان است، چون علاوه بر اینکه همسایه ترکیه محسوب می‌شود، شرایط راحت تری هم نسبت به سایر کشورهای اروپایی برای جذب پناهنده دارد. ترکیه اما سـعی می‌کند هیچ جوره به پناهجویان اجازه خـروج از ترکیـه را ندهد. دلیل این امر هـم قراردادی اسـت که اتحادیه اروپا و ترکیه سال ۲۰۱۶ بر سر آن به تفاهم رسیده‌اند. بر اساس این قرارداد ترکیه موظف شده پناهجویان را در خاک خودش نگه دارد و مانع ورود آن‌ها به اروپا شود. در عوض اتحادیه اروپا هم متعهد شده علاوه بر کمک‌های مالی، شرایط عضویت ترکیه در این اتحادیه را بهبود ببخشـد. به همین خاطر دولت ترکیه چندسال پناهجویان را سر می‌دواند و آخر سر هم برای ساکت کردن کمپین‌های حقوق بشر و سازمان ملل، به تعداد محدودی از پناهندگان اجـازه خروج می‌دهد. پناهجویانی هم که سالیان طولانی در به در بوده‌اند و دست آخر اجازه خروج از ترکیه را پیدا نکرده‌اند، قید راه‌های قانونی را می‌زنند و برای سفر قاچاقی به یونان راهی دنیزلی می‌شوند.

### خانه آخر

دنیزلی خانه آخر پناهجویانی اسـت که همه چیزشان را باخته‌اند. کسـانی که روزی با کوله باری از آرزو به ترکیه پناهنده شـده‌اند و حالا در این کشور گرفتار شده‌اند. این پناهجوها از کمک‌های سـازمان ملل و دولت ترکیه دل کنده‌اند و دسـت به دامن قاچاقچی‌های انسان شده‌اند. مرکز قاچاقچی‌های انسان هم دقیقاً در همین شهر است. قاچاقچی‌هایی که از پناهجویان آواره خوب پول می‌گیرند، اما رسیدنشان به جزایر یونان را تضمین نمی‌کنند. خیلی وقت‌ها این پناهجویان به جای یونان سـر از کشـورهای آفریقایی و بازار برده فروش‌ها در می‌آورند. در برخی موارد هم در میان اقیانوس رها می‌شوند تا از گرسنگی و تشنگی تلف شوند. تازه این در شرایطی است که قایق‌های دست ساز قاچاقچی‌ها در میان راه غرق نشـود! اما پناهجویانی که ماه‌ها و سال‌ها در ترکیه آواره بوده‌اند خطر این سفر دریایی را به جان می‌خرند چون به قول خودشان «خانه به دوشان غم سیلاب ندارند»! خانه بدوشانی که روزگاری رؤیاهای دور و دراز داشـتند. آن قدر دور که حالا قایق وصله پینه شـده قاچاقچی‌ها هم تاب به مقصد رساندنشان را ندارد.

## خواندنی ها

### روزی که ایران بین ابرقدرت‌ها تقسیم شد

در اوت سال ۱۹۱۵ روزنامه عصر جدید نخستین بار به نقل از جراید آلمانی از معاهده سری انگلیس و روس راجع به تقسیم ممالک شرق نزدیک، سخن به میان آورد. یکی از کشورهایی که عملاً به دو حوزه نفوذ تقسیم شد، ایران بود. این تصمیم درست هشت سال بعد از قرارداد ۱۹۰۷، یعنی اوت ۱۹۱۵ علنی شد. در محرم ۱۳۴۴، به دنبال نطق سازانوف وزیر خارجهٔ روسیه، قشون روس از قزوین به سوی تهران حرکت کرد.

پیش از این در چهارم آوریل سال ۱۹۱۵، بدون اینکه هنوز خبری از رسیدن شعله‌های جنگ به ایران وجود داشته باشد، مستشارالدوله، وزیر پست و تلگراف کابینه برای نخسـتین بار سخن از تغییر پایتخت به میان آورد. چند ماه بعد همان مضمون را به نقل از مشیرالملک، پسر علاءالسلطنه و وزیرمختار ایران در لندن بر زبان جاری ساخت. در واقع بهانهٔ امر را پرنس رویس، وزیرمختار آلمان در ایران در اختیار متفقین نهاد، او با چمدان‌های مملو از سلاح وارد تهران شده بود؛ همزمان شایع بود مستوفی‌الممالک قراردادی سری با آلمان منعقد ساخته تا ایران را به نفع آلمان و علیه متفقین وارد جنگ سازد. مورخ‌الدوله می‌گوید این مذاکرات محرمانه واقعیت داشته است، به عبارت بهتر بین مستوفی و پرنس رویس محرمانه گفت‌وگویی صورت گرفته بود که طبق آن مذاکرات، قراردادی نظامی بین دو کشور منعقد گردید. آلمانی‌ها از اوّل سپتامبر ۱۹۱۵ تا اواسط نوامبر آن سال مذاکرات مستقیمی با رئیس‌الوزرا آغاز نمودند. عده‌ای از رجال ایران با این امر موافقت داشـتند اما می‌گفتند نباید تعجیلی در انعقاد قرارداد به خرج داد، باید صبر کرد تا نیروهای آلمان همراه با تجهیزات این کشـور به سرحدات ایران برسند و صاحب‌منصبان آلمانی برای آموزش نیروهای ایرانی وارد شـوند. در این میان وضعیت سیاست بریتانیا در قبال بحران ایران بسیار جالب بود. دولت این کشور تصمیم گرفت کاری کند تا نیروهای روسی مقیم شمال غربی ایران را که از اولتیماتوم تا آن زمان در خاک ایران مستقر بودند و عملاً آنجا را در تصرف داشتند، تکیه‌گاه خود قرار دهد.

هدف بریتانیا این بود تا به این وسـیله دولت‌های ایران را مطیع سـازد و از تصمیم احتمالی پیوند با آلمان برحذر دارد. در این راستا نوامبر ۱۹۱۵، مصادف با آذر ماه ۱۲۸۴ بود که مارلینگ، وزیرمختار بریتانیا در تهران از ژنرال باراتوف، فرمانده قوای روسیه خواست به سـوی تهران پیشروی کند. قوای روسیه به سمت تهران به حرکت درآمدند و در کرج اردو زدند. این دوّمین باری بود که در طول دوره بعد از مشـروطه، انگلستان از قدرت میلیتاریستی روسیه برای پیشبرد منافع خود در ایران بهره می‌برد، بار اوّل به هنگام اولتیماتوم روسیه و سقوط مشروطه و اینک به هنگام فراگیر شدن جنگ در ایران. نکته این است که بسیاری از به اصطلاح ملیون آن زمان به دام این ترفند بریتانیا افتادند و البته به نظر می‌رسـد خود مقدمـات این سـناریو را فراهم دیدند و به تکوین روند آن کمک کردند. احمدشاه مستأصل بود و نمی‌دانسـت چه باید کرد. تحریکات گروهی بشدت مرموز و مشکوک، سرانجام نیروهای روس را وارد ایران سـاخت، روز هفتم محرم سـال ۱۳۳۴، به تحریک برخی از رجال کشور، شاه مصمم شد وضعیت موجود را بپذیرد، در برابر روس‌ها سیاست مماشات در پیش گیرد و آن سیاسـت را به ترک پایتخت ترجیح داد.

«روس‌ها در اصفهان»، تصویری چاپ‌شده در هفته‌نامه فرانسوی لو پتی ژورنال

کافه تاریخ

## پیشنهاد سفر

درباره دومین بنای خشتی جهان

### ارگ راین؛ شکوه معماری کویر

در میان آثار متعدد، کهن و با ارزش استان کرمان، ارگ شهر کویری راین اهمیت بسیاری دارد. این قلعه تاریخی با شکوه و صلابت خاصی در میان کویر قد علم کرده است.

ارگ‌ها قلعه‌های کوچکی درمیان قلعه‌های بزرگ‌تر هستند که عمدتاً محل استقرار حاکم شهر بوده‌اند. با ۲۲ هزار مترمربع وسعت، ارگ راین دومین بنای خشتی جهان بعد از ارگ بم است.

ارگ تاریخی راین، سازه‌ای تماشایی که در جنوب غربی شهر امروزی راین و بر بالای تپه‌ای در دامنه کوه هزار واقع شده و از شهر و مردمان آن نگهبانی می‌کند و قدمت آن به پیش از اسلام و دوران ساسانیان باز می‌گردد. ساختمانی خشتی و کنگره‌دار که ۲۲۰۰ متر بالاتر از سطح دریا واقع شده و تاریخ را به یاد بازدیدکنندگان خود می‌آورد. ارگی که هیچ‌گاه، هیچ لشکر و فرمانده‌ای نتوانست از دروازه‌های آن عبور کند و در تمام جنگ‌ها و حمله‌ها نفوذ ناپذیر باقی ماند. قلعه راین شباهت‌های بسیاری با ارگ بم، از نظر معماری، ظاهر و مصالح به کار رفته دارد و مساحت آن یک چهارم ارگ بم است. قلعه یا همان ارگ راین پس از تخریب ارگ بم بر اثر زلزله، توجه گردشگران زیادی را به خود جلب کرده است و همه ساله افراد بسیاری از آن دیدن می‌کنند.

#### تاریخچه ارگ راین

قلعه کنونی که امروزه وجود دارد بر روی قلعه‌ها و بناهای قدیمی که پیشتر و در گذر زمان تخریب شده، بنا شده است. این بناها بیشتر به دلیل حوادث طبیعی مانند زلزله از بین رفته‌اند اما ارگ راین به دلیل معماری و موقعیت جغرافیایی مناسب، از گزند حوادث به دور ماند و لقب مستحکم‌ترین و غیرقابل نفوذترین سازه‌ها را از آن خود کرد. تخمین زده شده است که ارگ راین فعلی در ۵۰۰ سال پیش ساخته شده است.

ارگ راین در زمان فرمانروایی میرزا حسین خان راینی یکی از دژهای فرماندهی وی به حساب می‌آمد. میرزا حسین خان در زمان نادرشاه افشار زندگی و حکومت می‌کرد و پسرش در زمان فرمانروایی زندیه بر ایران، مسئولیت اداره قلعه را برعهده داشته است. این ارگ پس از پایان دوران حکمرانی زندیه محل زندگی نوادگان میرزا حسین خان می‌شود که نواده‌های این افراد هنوز در کرمان و شهر راین زندگی می‌کنند. در ولایت راین فرمانروایی پدر و پسر نشانه‌ای از محبوب بودن افراد در آن سرزمین بود تا جایی که در بسیاری از منابع این ارگ با نام ارگ میرزا حسین خان نامیده شده است. یکی از نکات قابل توجه در مورد ارگ راین که شاید آن را از سایر بناهای همانندش متمایز می‌سازد، زندگی چیزی در حدود ۵۰۰۰ تن در آن تا همین ۱۵۰ سال پیش است؛ اما پس از آن ارگ اندک اندک رو به فراموشی رفت و خانه‌های آن خراب شد.

#### معماری ارگ راین

ارگ راین شکلی مربع مانند دارد و چندین برج در اطراف، از سازه‌ها و بناهایی که درون آن قرار گرفته است، محافظت می‌کند. دور تا دور قلعه نیز با حصاری پوشیده شده که ارتفاع آن به بیش از ۱۰ متر می‌رسد. این ارگ تنها یک ورودی دارد که در جبهه شرقی قلعه ساخته شده و با سردری بزرگ و باشکوه، خوشامد گوی بازدید کنندگان و گردشگران است. الگوی ساخت و معماری ارگ راین، نمایی از قلعه‌های مسکونی شهرهای قدیمی ایران را به نمایش می‌گذارد. این ارگ سه بخش خان نشین، اعیان نشین و عامه نشین داشته و فضاهای آن به قسمت‌های مختلف مورد نیاز مانند زورخانه، مسجد، اصطبل و... تقسیم می‌شده است. می‌توان قسمت‌های اعیان نشین و عامه نشین ارگ را شارستان آن به حساب آورد. هر کدام از این بخش‌ها به وسیله برج، بارو و پله هایی جالب (در بعضی موارد مدور) از دیگر قسمت‌ها جدا می‌شدند. خوب است که بدانید بیشتر ساختمان‌های قلعه نیز دو یا سه طبقه بودند.

محله‌های عامه‌نشین در ابتدای مسیری قرار داشتند که در انتها به قسمت خان‌نشین قلعه می‌رسید. محله اعیان نشین نیز در کنار بخش خان‌نشین ساخته شده بود. زمانی که در میان سازه‌ها و کوچه‌های ارگ قدم می‌زنید به خوبی از جنس مصالح و نوع ساخت می‌توانید متوجه تفاوت قسمت‌های اعیان‌نشین و عامه نشین شوید. طبقه‌های اجتماعی متفاوت، با شغل‌های مختلف، در قسمت‌هایی کاملاً مجزا از یکدیگر زندگی می‌کردند و از نظر مالی و جایگاه اجتماعی تفاوت‌های قابل توجهی داشتند. از جمله این محله‌ها می‌توان به محله زندگی پیشه‌وران، تجار، کشاورزان، نزدیکان حکومتی و موبدان اشاره کرد؛ اما بهترین ساختمان ارگ به مانند همیشه به فرماندار شهر تعلق داشت.

در اطراف ارگ چهار برج دیده بانی ۱۱ متری وجود دارد که برای امن نگه داشتن ارگ ساخته شدند. از کارهای دیگری که برای افزایش امنیت ارگ انجام شد، کندن خندقی مصنوعی در قسمت جنوبی آن بود. به این دلایل ارگ راین کاملاً غیر قابل نفوذ بود و هیچ ارتشی نمی‌توانست به آن ورود پیدا کند. در درون ارگ نیز ۱۲ برج ساخته شده که تعداد کل برج‌ها را به ۱۶ برج می‌رساند.

ارگ راین در گذشته یکی از مراکز مهم ساخت شمشیر، تفنگ و چاقو هم بوده است. صنعت چاقو سازی هنوز در این شهر رواج دارد و تعدادی از کارگاه‌های آن امروزه در قالب ساخت صنایع دستی در ساختمان ارگ هنوز مشغول به کار هستند.

#### چطور به ارگ راین برسیم؟

شهر راین در محدوده جنوب غربی کرمان و در مسیر کرمان به جیرفت قرار دارد. از کرمان تا راین ۱۰۰کیلومتر راه است. با این وجود، بهترین مسیر برای رفتن به راین، استفاده از جاده ماهان به بم است. در ۴۵ کیلومتری، به جاده درب بهشت راین- کرمان می‌رسید. این راه را ادامه دهید تا به ارگ راین برسید. ارگ با قامت بلند خود بر روی تپه، به خوبی قابل مشاهده است. با بازدید از ارگ راین می‌توانید در کوچه پس کوچه‌های سازه‌ای قدم بزنید که هیچ فرمانروایی در طول تاریخ نتوانست آن را فتح کند.

عکس: الهه پورحسین

مخترع کاهگل نانو، معتقد است توانسته این مصالح باستانی را به معماری ایران برگرداند

# صنعتِ سنّت

**فرهنگ/ حسن احمدی فرد | جایی در رؤیاهای دیر و دوری که نه هیچ وقت فراموششان می‌کنیم، نه سراغی ازشان می‌گیریم، همه ما یک خانه دلباز کاهگلی داریم؛ خانه‌ای با دیوارهای نه چندان بلند؛ با حوض و باغچه و شمعدانی؛ با ابر و آفتاب و آسمان. باران که ببارد، عطر کاهگل می‌پیچد توی حیاط آجرفرش. آن وقت آدم هوس می‌کند استکان چای پر رنگش را بردارد برود بگذارد لب هِرّه دیوار. زل بزند به آسمان ابری و تا جایی که می‌تواند، بوی کاهگل نم خورده را فرو بدهد در ریه‌های رخوت گرفته‌اش.**

**در پس پسله‌های ذهن همه ما آدم‌های خسته و بی‌حوصله، جایی هست که همیشه خدا بوی کاهگل نم خورده می‌دهد؛ بوی خاطره‌های خاک گرفته؛ خاطره‌های دیر و دوری که لابد یک روز خوب، نزدیکی‌های نوروز، در یک جای دور، اتفاق افتاده است. خانه‌های کاهگلی، جزیی از خاطره جمعی ما ایرانی‌هاست. خاطره‌هایی که حالا به همت یک جوان نخبه شیرازی، دارد دوباره جان می‌گیرد. «حبیب مشکین فام»، دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت بنا در دانشگاه تهران؛ رتبه ۲ کنکور کارشناسی ارشد مرمت در سال ۹۷، مخترع برتر شیراز در سال ۹۵ و برگزیده جشنواره اختراعات بنیاد ملی نخبگان در سال ۹۳، با استفاده از فناوری نانو، کاهگل مقاوم و ضد آب اختراع کرده است؛ کاهگلی که همه ویژه‌های این مصالح باستانی را دارد اما بسیار مقاوم و ضد آب است.**

**کاهگل نانویی که او اختراع کرده، علاوه بر آنکه می‌تواند در بازسازی و مرمت خانه‌های تاریخی و سنتی به کار بیاید، می‌تواند به خوبی در معماری‌های مدرن هم استفاده شود. حالا با «کاهگل مشکین فام» خانه‌های کاهگلی می‌تواند دوباره صف بکشد پیش چشم ما آدم‌ها که از تماشای ساختمان‌های نتراشیده و نخراشیده، خسته شده‌ایم.**

**◆ بوی کاهگل برای شما هم نوستالژی است؟**

بله. من در شیراز بزرگ شده‌ام؛ در کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی شهر. من وقتی وارد یک خانه قدیمی و تاریخی می‌شوم، روحم تازه می‌شود. حتی اگر خانه خراب هم باشد باز همین قدر که نشان دهنده قدمت و غنای تاریخی است، همین، روحم را تازه می‌کند.

من، نوه حاج حبیب مشکین فام هستم. برای زنده نگه داشتن نام ایشان بوده که پدرم اسم مرا هم حبیب گذاشته است. مرحوم پدربزرگم استاد صاحب نام حجاری و خوشنویسی بود. کارهای ایشان و آثار خانواده ما و هنرمندان استان فارس با تلاش عمویم استاد حسن مشکین فام حالا در خانه تاریخی «فروغ الملک» با عنوان «موزه هنر مشکین فام» نگهداری می‌شود. خانه «فروغ الملک» در محله «سنگ سیاه» شیراز است؛ پشت امامزاده «بی بی دخترون». من در این فضای خانوادگی بزرگ شده‌ام؛ برای همین هم عاشق بناهای قدیمی هستم. گاهی لابه‌لای این خانه‌های قدیمی، آجرکاری‌ها یا طاق نماهای ویژه‌ای هست که انصافاً دیدنی است؛ گاهی می‌بینی از یک کاشیکاری یا آینه کاری تنها یک تکه باقی مانده؛ اما همان هم دیدنی است. من این‌ها را دوست داشتم و دارم. این‌ها به من انرژی و انگیزه می‌دهد.

**◆ همین‌ها موجب شد تا به فکر ساخت مصالحی سنتی برای روزگار مدرن بیفتید؟**

بله. معتقدم هرچه می‌توانیم باید برای حفظ معماری کهن ایرانی بکوشیم. معماری ما، یک معماری پویا بوده است. قدمت استفاده از کاهگل در معماری ما به بیش از ۷۰۰۰ سال می‌رسد. در همه این هزاره‌ها، این معماری بر پایه خشت و گل بنا شده. می‌دانید که کاهگل در میان مصالح معماری ایرانی، بسیار ویژه است. عمده بناهای تاریخی ایران خشت و گلی است. خانه‌های روستایی کاهگلی است؛ دیواره کوچه باغ‌ها کاهگلی است. کاهگل نوستالژی ایرانی‌هاست. حتی در شهری مثل شیراز که سراهای اعیان، آجری بوده، باز مردم عادی خانه‌هایشان از خشت خام و کاهگل درست می‌شده است. همین حال بروید کوچه‌باغ‌های «قصردشت» شیراز را ببینید. ببینید ترکیب دیوارهای کاهگلی و گل و گیاه، چه زیبایی ویژه‌ای خلق کرده است.

حیف نیست که همه آن شکوه و زیبایی، در روزگار ما جای خودش را به معماری‌های بی‌هویت بدهد؟

**◆ چطور به کاهگل نانو رسیدید؟**

من از سال ۸۸ در زمینه فناوری نانو مشغول تحقیق هستم. سال ۸۹ طرحی را با عنوان «ضد آب سازی مصالح سنتی» ارائه کردم که در «بنیاد نخبگان و همکاری‌های علمی شهید فهمیده» منطقه جنوب تأیید شد. این طرح شامل نانومودای بود که روی سطح اسپری می‌شد و به آن‌ها ویژگی ضد آب می‌داد. این ایده هم از یک سری مواد خارجی به ذهنم رسید. موادی را که در بازار ایران بود، تست کردم تا ببینم چه کیفیتی دارند. دیدم این مواد در تماس دائم با آب، کارایی ضعیفی دارند. درواقع این مواد صرفاً در تست قطره یا در تست‌های مشابه، خاصیت ضد آبی از خود نشان می‌دادند و در شرایط واقعی، کارایی چندانی نداشتند. اما موادی که من در قالب آن طرح ساختم، در تماس‌های طولانی با آب، خاصیت ضدآبی خود را حفظ می‌کرد.

بعد از تکمیل کار و دریافت تأییدیه، پیگیر شدم تا بتوانم برای این مواد کاربری پیدا کنم. به ادارات و ارگان‌های مختلفی مراجعه کردم و طرحم و نتایجش را ارائه کردم اما متأسفانه استقبالی نشد؛ خیلی‌ها هم می‌گفتند این کار غیر ممکن است و توجهی هم به نتایج ثبت شده کار نمی‌کردند. خلاصه از آن طرح استقبالی نشد.

من از سال ۹۰، مشخصاً کار روی طرح کاهگل ضد آب را شروع کردم. کار بعد از دو سال به سرانجام رسید. سرانجام سال ۹۲ با عنوان پوشش مقاوم کاهگلی ضد آب به ثبت رسید.

**◆ استقبال نهادها و ارگان‌هایی که کارشان ساخت و ساز است، از طرح شما، چطوربود؟**

استقبال آن‌ها شبیه استقبال سایر بخش‌ها از طرح‌های علمی و خلاقانه بود. سه، چهار سال کارم این بود که بروم بنیاد مسکن و بگویم تو را به خدا بگذارید ماده‌ای که ساخته‌ام را رایگان در پروژه‌های شما استفاده کنم. می‌گفتم هیچ پولی نمی‌خواهم، کار را هم خودم اجرا می‌کنم، فقط بگذارید حاصل کارم آنجا باشد و دیده بشود.

در پروژه منطقه تاریخی بیشاپور و پروژه‌های مشابه هم همین‌طور. به هر جایی که در پروژه‌هایشان ازکاهگل استفاده می‌کردند، مراجعه کردم تا بتوانم محصولی را که ساخته‌ام، معرفی کنم و آن‌ها رایگان از آن استفاده کنند؛ اما باور کنید بعد از معرفی بعضی‌هایشان تلفنم را جواب نمی‌دادند.

در جلسه‌ای خدمت معاونت محترم سازمان میراث فرهنگی جناب آقای دکتر طالبیان بودیم. ایشان که کار من و پروژه‌هایی که کاهگل نانو کار شده بود را می‌شناخت، گفت این ماده عالی است و همه پایگاه‌های ما هم آن را می‌خواهند. بعد هم ما را به بخش «امور پایگاه‌ها» ارجاع داد تا وارد همکاری بشویم. حالا ما مدام به امور پایگاه‌ها مراجعه می‌کردیم و جوابی نمی‌گرفتیم. می‌رفتیم و راهمان نمی‌دادند. می‌گفتند اگر خواستیم خبرتان می‌کنیم. سرانجام توانستم با شهرداری شیراز چند پروژه اجرا کنم و بعد از آن، با پایگاه پژوهشی پاسارگاد (پارسه) هم وارد همکاری بشوم. تازه بعد از این کارها بود که اختراعم دیده شد؛ آن قدر که حتی خبرنگار واحد مرکزی خبرفارس با معرفی بنیاد ملی نخبگان استان فارس و لطف جناب آقای دکتر حبیب شریف هم گزارشی درباره کاهگل نانو تهیه کرد و از بخش اخباراستان فارس، خبر ساعت ۱۴ شبکه یک وخبر ساعت ۲۰ شبکه چهارسیما پخش شد. بعد از آن هم همکاری‌هایم با همه ارگان‌ها و مراکز ساخت و ساز آغاز شد.

کاهگل اختراعی من، عمدتاً در روستاهای هدف گردشگری استفاده شده است. من تأییدیه بنیاد مسکن استان فارس را دارم. برای شهرداری شیراز هم کار کرده‌ام و گواهی رضایت آن‌ها را دارم. علاوه بر این‌ها پروژه‌های زیادی در سراسر ایران و بویژه در شمال کشور با کاهگل ضد آب کار کرده‌ام. حتی در خارج از کشور در عمان هم پروژه‌هایی را اجرا کرده‌ام. بزودی در امارات هم پروژه‌ای را با کاهگل نانو آغاز می‌کنم.

**◆ چه افقی را دربرابر اختراعتان می‌بینید؟**

دلم می‌خواهد همه دوباره به این مصالح سنتی برگردند و مطمئنم این اتفاق رخ می‌دهد. اجرای کاهگل ضد آب نیازی به تجهیزات و ماشین آلات خاصی هم ندارد. من دلم می‌خواهد دوباره کاهگل جای ویژه خودش را در بین مصالح ساختمانی پیدا کند. با کاری که من کرده‌ام، معایب کاهگل کنار رفته و محاسن آن هم که معلوم است. من بنای پژوهشم را گذاشتم روی ساختار گِل؛ روی کاهگل. کاهگل عایق حرارتی است. این را همه تجربه کرده‌ایم. بناهای خشت و گلی بهترین عایق حرارت و صوت هستند. در هنگام سرما فضای داخل بنا گرم است و درهنگام سرما فضای داخل سرد است. علاوه بر این، محصول که من ساخته‌ام تنوع رنگ دارد. من روی خاک‌های مختلف کار کرده‌ام.

خب ترکیب‌های تشکیل دهنده خاک روشن مناطق کویری با خاک تیره مناطق معتدل متفاوت است. خاکی که رنگش قرمز است به علت وجود بیشتر آهن در ترکیب خاک با خاکی که سرخ نیست، فرق می‌کند.

استان فارس دارای تنوع خاک بسیار گسترده‌ای است؛ از خاک سرخ، مثل خاکی که در ابیانه است، بگیرید تا خاک روشن یزد و کرمان. خاک‌های روشن‌تری، مثل خاک جزیره کیش هم در استان ما یافت می‌شود. وجود این خاک‌ها کمک کرد تا بتوانم نمونه‌های متنوعی از کاهگل را تولید کنم که مشابه کاهگلی است که در آن اقلیم‌ها استفاده می‌شود.

**◆ یعنی می‌توانید به هر کسی که علاقه‌مند است، کاهگلی متناسب با اقلیم خودش پیشنهاد کنید؟**

بله. این مهم است که کاهگل نانو مورد استفاده درروستای هدف گردشگری مورد نظر با کاهگل سنتی همان منطقه همخوان باشد.

یک بار آقایی به من زنگ زد که فلانی من کاهگل آبی می‌خواهم. روستایی هست در آفریقا که رنگ خاکش، آبی است؛ چون جنس خاکش آبی است، کاهگل و نمای بناهای آن روستا هم آبی است. او ظاهراً همان را دیده بود و می‌گفت کاهگل آبی می‌خواهم. من به او گفتم اولاً کاهگل آبی وجود ندارد اما اگر وجود داشت هم من به شما نمی‌دادم؛ چرا چون مال این اقلیم نیست. کار ما باید منطبق بر اقلیمی باشد که در آن زیست می‌کنیم.

دغدغه اصلی من، احیای بافت‌های تاریخی است. من دلم می‌خواهد کمک کنم تا هویت معماری روستاها بهتر حفظ بشود. حتی این که کار توسط خود محلی‌ها اجرا بشود، برای من بسیار مهم است. خیلی‌ها به من می‌گویند شما که کاهگل نانو را برای ما ارسال می‌کنید اجرای کاهگل را نیز برای ما انجام دهید. من همیشه می‌گویم می‌توانم کار را اجرا کنم، اما بهتر است خودتان اجرا کنید.

در روستای «گاره» جهرم کار می‌کردم؛ آنجا خانمی که مسئول پروژه بود به من گفت نیرو از شیراز بفرست که اینجا کار کند. گفتم من یک نفر را فرستاده‌ام به روستای هدف گردشگری «دشتک» در مرودشت. او رفته آنجا و دو، سه تا از جوان‌های آنجا را آموزش داده است. آموزش هم یک ربع ساعت طول کشیده؛ نهایتاً یک ساعت هم بر کارشان نظارت کرده و تمام. خود جوان‌های آن روستا که حتی کاهگل سنتی هم بلد نبودند در کوتاه‌ترین مدت کاهگل کاری نانو را یاد گرفته‌اند. گفتم پولی که قراراست به من بدهی تا نیروی کار از شیراز بفرستم را بده جوان‌های روستا؛ هم کاری یاد گرفته‌اند و هم درآمدی کسب کرده‌اند.

**◆ خانه خودتان هم کاهگلی است؟**

الان در تهران دانشجو هستم و بین تهران و شیراز در رفت وآمدم. اما در حیاط خانه پدری‌ام در شیراز، بخشی از دیوار را از همین کاهگل نانو زده‌ام. هر وقتم هم که خسته و بی حوصله‌ام، می‌روم آنجا و حس و حالم بهتر می‌شود. جالب است که میهمان‌هایی هم که به خانه ما می‌آیند، آنجای حیاط را خیلی دوست دارند.

**◆ کاهگل نانو، تنها اختراع شماست؟**

نه. من حدود ۱۰ طرح پژوهشی دارم که بعضی‌هایشان به سرانجام هم رسیده است. اختراع دیگرم که ثبت هم شده، کاور محافظ بتن است. این کاور، یک پوشش مقاوم سیمانی ضد آب است؛ یک لایه سیمانی در ضخامت یک تا دو میلیمتر که روی سطوح بتنیِ نما مثل پل‌ها یا تونل‌ها کار می‌شود. این پوشش همه منافذ ریز بتن مثل جای حباب‌های هوایی که پشت قالب بتن مانده را پر می‌کند و یک سطح صاف و صیقلی به شما می‌دهد که در نگاه اول نمی‌شود تشخیص داد که رنگ است یا خود بتن. این سطح بشدت در برابرآب، اسید، نمک و... کاملاً مقاوم است و شوره نمی‌زند و خوردگی ندارد. درصد جذب این پوشش سه دهم درصد است و درصد پایین جذبش در حد بتن‌هایی است که در سواحل استفاده می‌کند که در برابر امواج دریا و املاح آن مقاوم است.

این اختراع بعدی من است اما نیاز است که شهرداری یا ارگان‌هایی که متولی پروژه‌های بزرگ هستند، برای استفاده از این اختراع، اعلام آمادگی کنند.البته وقتی دیدم کاری را که وارد بازار می‌کنم و بلافاصله انواع و اقسام موارد مشابه تقلبی بازار را پر می‌کند، این کارم را به بازار ندادم و می‌بینید که هنوز هم هیچ مورد مشابهی هم در بازار وجود ندارد.

**◆ خب چرا برای شناخته شدن کارتان، کار تبلیغاتی نمی‌کنید؟ چرا مثلاً به تلویزیون آگهی‌نمی‌دهید؟**

من توانی برای پرداخت هزینه‌های سنگین تبلیغات تلویزیونی ندارم. این کارها هزینه دارد و من پولی برای‌انجامشان ندارم. حتی یک غرفه معمولی در چند نمایشگاه معمولی در سال حداقل ۱۰، ۱۵ میلیون تومان هزینه دارد. البته من هم کارهایی برای تبلیغ محصول اختراعی‌ام انجام داده‌ام اما اساساً با خودم قرار گذاشته‌ام که به جای هزینه کردن در تبلیغات، کارم را با قیمت مناسب‌تری به دست آن‌هایی برسانم که می‌خواهند از آن استفاده کنند؛ بویژه آن‌هایی که برای پرداخت هزینه مشکل دارند. مثلاً در یکی از روستاها، پیرزنی بود که نمی‌توانست هزینه نوسازی خانه‌اش را بپردازد، آنجا ما بدون هیچ هزینه‌ای، مقدار ماده لازم برای نوسازی خانه‌اش را در اختیارش گذاشتیم.

شما هم این را در روزنامه بنویسید. بنویسید روستاهای هدف گردشگری، روستاهایی که می‌خواهند بافت سنتی شان را حفظ کنند، مساجد و بناهای تاریخی یا هر جا و هر کسی که می‌خواهد در خانه‌اش از کاهگل استفاده کند، اما نگران هزینه آن است، می‌تواند روی همکاری من حساب کند. من دنبال پولدار شدن نیستم؛ بلکه می‌خواهم دین‌ام را به وطنم، به تاریخ و گذشته‌اش ادا کنم.

روایت حبیب مشکین فام از بی‌اخلاقی‌های علمی و فنی و قوانینی که بازدارنده نیستند

## بهترین دفاع من ،کارم است

با ثبت اختراع کاهگل مقاوم و ضد آب و استفاده از آن در چند پروژه، ناگهان سیلی از محصولاتی که ادعا می‌کردند کاهگل ضد آب و کاهگل نانو و... هستند به راه افتاد و در بازار پخش شد.

متأسفانه در ایران، قوانین ثبت اختراع آن قدرها بازدارنده نیست. به پشتوانه این قوانین نمی‌شود جلوی آن‌هایی را که دارند کپی‌کاری می‌کنند گرفت؛ نمی‌شود جلوی آن‌هایی ایستاد که کار مشابه می‌کنند. البته تا حالا هیچ محصولی مشابه محصولی که من اختراع کرده‌ام از نظر کیفیت و زیبایی و طبیعی بودن تولید نشده است.

کارهای زیادی به اسم کاهگل ضد آب و کاهگل نانو انجام شده اما همه‌شان از خانواده رنگ، سیمان‌های رنگی و مواد شیمیایی است. چیزی که دارد در بازار به جای کاهگل نانو معرفی می‌شود، نوعی رنگ شیمیایی است و یا به وسیله سیمان‌های رنگی تولید شده است که وقتی خشک می‌شود فقط شبیه کاهگل است. عنوان کاهگل نانو برای رنگ یا سیمان‌های رنگی صرفاً جهت سوء استفاده از عدم آگاهی افراد عادی است.

اساس کار من، بهینه‌سازی کاهگل طبیعی است و تأییدیه طرح از ستاد توسعه نانو را نیز دارد در صورتی که طرح‌های دیگر صرفاً از جو تبلیغاتی نانو بودن استفاده می‌کنند و تأییدیه‌ای در این خصوص از ستاد توسعه نانو ندارند و نمی‌توانند چیزی مشابه آن بسازند. حتی یک نفر که با استفاده از سیمان رنگی و یا پودر رنگ کاهگل مصنوعی ساخته است، مدعی است که کاهگل ضد آب درست کرده و اسمش را گذاشته کاهگل نانو؛ این‌ها بی‌اخلاقی‌های علمی و فنی است.

در مقابل این بی‌اخلاقی‌ها من، فقط کار کردم. معتقدم ارائه کارم با قیمت مناسب و بهترین کیفیت و زیبایی کاهگل نانو، خودش بهترین دفاع است. آن‌ها که مدعی ساخت کاهگل نانو هستند، رنگدانه‌های کارشان، در اثر رسیدن آب به آن، یا در اثر تابش آفتاب، تغییر می‌کند؛ اما کاری که ماده اصلی آن خاک است که تغییری ندارد. مگر بناهای چندهزارساله خشتی رنگشان تغییر کرده؟ من می‌خواستم ماده‌ای بسازم که حقیقتاً کاهگل باشد و همین کار را هم کرده‌ام. این کاهگل حتی ویژگی‌های درمانی دارد. می‌دانید که بوی کاهگل آرامش بخش است. ما کارمان عطر کاهگل را دارد. خب این اتفاق مهمی است. این خیلی مهم است که جایی که کاهگل شده، بوی کاهگل بدهد، نه بوی رنگ.

متأسفانه کارشناسی هم در این زمینه وجود ندارد که به مشتری‌ها، مشاوره بدهد. آن کسی که رنگ طرح کاهگل ساخته هم می‌تواند بگوید کاهگل نانو ساخته‌ام؛ کسی هم که سیمان رنگی تولید کرده، با خیال راحت ادعا می‌کند که کاهگل نانوی ضد آب ساخته است.

خب این‌ها پروژه‌هایی را هم گرفته‌اند و اجرا کرده‌اند. حالا مسئولان شهرداری و ارگان‌های دیگر ناراضی هستند که آقا! کاهگل نانو هم به درد نمی‌خورد. من از آن‌ها همیشه می‌پرسم مگر شما تأییدیه نانوی آن محصولی که مدعی نانو بودن دارد را دیده‌اید که حالا می‌گویید کاهگل نانو به درد نمی‌خورد؟ جالب است که ستاد توسعه نانو هم نمی‌تواند جلوی این‌ها را بگیرد. یعنی قدرت اجرایی ندارد که با شرکت‌ها و مراکز مدعی برخورد کند؛ فقط کاری که می‌کند این است که می‌گوید شرکت‌هایی که تأییدیه نانومقیاس دارد، این‌ها هستند؛ همین.

البته در بسیاری از پروژه‌های ارزشمندی مانند پاسارگاد و تخت جمشید با حمایت خوب میراث فرهنگی و مدیریت محترم پایگاه پژوهشی پارسه در پاسارگاد انجام شده است که با بررسی آگاهانه و سنجش کیفیت کاهگل نانو مورد استقبال قرار گرفته است. آگاهی مردم در حال بیشتر شدن است واگر مخترع و پژوهشگر را بهتر بشناسند به آن‌ها اعتماد می‌کنند و سفارش‌های زیادی حتی با آگاهی خریدار از نمونه‌های غیر اصل داشته‌ایم که با مقایسه آزادانه‌ای که من پیشنهاد می‌دهم خودشان از کاهگل نانو واقعی استفاده می‌کنند، که این بسیار با ارزش است.البته حالا دیگر کاهگل مشکین فام، کاملاً شناخته شده است. حالا بعد از چند سال که از اختراع کاهگل نانو می‌گذرد، من پروژه‌های زیادی را در سراسر ایران اجرا کرده‌ام. این بهترین دفاعی است که من می‌توانستم از کارم داشته باشم.

دکتر وکیلی در گفت‌وگو با قدس
به مناسبت سالروز شهادت امام هادی(ع) مطرح کرد

# رشد کیفی جامعه شیعه بستر صدور «جامعه کبیره»

**معارف/ مریم احمدی شیروان |** «زیارت جامعه کبیره» را کلاس امام‌شناسی برای تمام بشریت می‌دانیم که از امام علی‌النقی(ع) به ما رسیده؛ زیارتی بر پایه معرفی مقام ائمه(ع) که دارای سند روایت صحیح است. به بهانه سالروز شهادت امام هادی(ع) و در گفت‌وگو با دکتر هادی وکیلی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، به تبیین بیشتر ابعاد این زیارت و ویژگی‌های زمانه‌ای پرداختیم که این متن ارزشمند صادر شده است. آنچه در زیر می‌خوانید بخشی است از گفت‌وگوی مبسوط ما با ایشان.

### «جامعه کبیره» حلقه وصل توحید و نبوت به امامت است

وکیلی با تأکید بر اینکه زیارت جامعه از بهترین آثار به جای مانده از ائمه اطهار و امام دهم(ع) است، می‌گوید: این زیارت یکی از متین‌ترین، فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین متون زیارتی و معارفی مربوط به مقام امامت و توصیف مراتب صفات امامت است. این زیارت متن مفصلی دارد؛ دلیل آن هم درخواست راوی اصلی این متن یعنی موسی‌بن عبدالله نخعی از حضرت است. این صحابه از آنجایی که خود شأن، درک، فهم و ادراک خوبی داشت، از ایشان درخواست می‌کند متنی بلیغ و کامل در اختیار او قرار دهد تا هر وقت شیعیان قصد زیارت کردند با این متن و روش زیارت کنند.

او اضافه می‌کند: وقتی امام هادی(ع) مشاهده کردند آن فرد ظرفیت دارد و جامعه آینده شیعه در آستانه عصر غیبت قرار می‌گیرد، متن کامل زیارتی به نام جامعه کبیره را بیان کردند. این زیارت، متنی است که به تعبیری از توحید شروع شده و معارف شیعه در مورد امامت را مدام متصل به خدا و وحی می‌کند و از طریق توحید و نبوت به مبحث امامت می‌رسد؛ بنابراین جایگاه توحید و نبوت حفظ شده ولی تمرکز این زیارت بر امامت و توصیف صفات امام بوده و بیش از ۲۰۰ صفت برای امام در این زیارت ذکر شده است.

### زیارت جامعه کبیره نیاز جامعه شیعی بود

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد به شرایط جامعه‌ای که چنین زیارتی در آن صادر شد نیز اشاره کرده و توضیح می‌دهد: در زمانی که این زیارت شریف و نفیس از طریق امام دهم(ع) القا شد، جامعه به‌تدریج در آستانه عصر غیبت قرار می‌گرفت و آماده این امر مهم می‌شد. از زمان امام حسن عسکری(ع) ارتباط امام با شیعیان بسیار محدود شد و امام شیعه تحت کنترل شدید قرار گرفتند. حکومت، امام یازدهم را از دو سالگی از طریق آوردن امام هادی(ع) به سامرا تحت کنترل قرار داد و عصر غیبت هم چند سال پس از آن در سال ۲۶۰ هجری قمری آغاز شد. وکیلی یادآور می‌شود: در این شرایط جامعه شیعی به بالاترین مرحله رشد خود در عصر حضور ائمه رسیده بود؛ یعنی این نیاز وجود داشت که جامعه بخش‌هایی از معارف را در ادبیات و متون؛ دقیق‌تر، کامل‌تر و متعالی‌تر در اختیار داشته باشد. البته قبلاً در متون دیگر هم این موارد ذکر شده بود، اما اینکه تمامی این صفات و معارف یک جا دور هم جمع شوند و در قالب یک زیارت ارائه شوند، مسبوق به سابقه نبود.

### متنی برای پایه‌گذاری فرهنگ زیارت در جامعه

او در ادامه توضیح می‌دهد: امام هادی(ع) با توجه به رشد کیفی جامعه شیعه در اواسط قرن سوم و در آستانه عصر غیبت و با توجه به درخواستِ داشتن زیارت کامل توسط صحابه، چنین زیارتی را ایراد کردند. البته از این امام(ع)، تنها همین متن زیارتی را نداریم؛ بلکه زیارت‌هایی مانند زیارت روز غدیر امیرالمؤمنین(ع) و نیز زیارت امام حسین(ع) از ایشان در منابع معتبر دینی وجود دارد که سرشار از معارف، آیات، روایات و حتی استدلال در اثبات ولایت امیرالمؤمنین(ع) است. این پژوهشگر تاریخ تشیع تصریح می‌کند: به نظر می‌رسد امام هادی(ع) به این نکته توجه داشته‌اند که جامعه شیعه علاوه بر اینکه معارف می‌آموزد، باید نوعی از فرهنگ اتصال به امام تحت عنوان فرهنگ زیارت را تمرین و تجربه کند؛ فرهنگی که بیان می‌کند در عصر غیبت، اتصال امام با امت از طریق همین زیارت چه بعید و چه قریب یا زیارت در حرم ائمه(ع) و یا اماکن دیگر تحقق پیدا کرده و اتصال شیعه با امام قطع نشود؛ بنابراین امام هادی(ع) به‌عنوان امامی که هنوز در دسترس مردم بودند، فرهنگ زیارت را در جامعه عصر خود پایه‌گذاری کرده و گسترش دادند. البته در جامعه امروز هم باید به این نکته توجه داشته باشیم که ائمه(ع) را همانگونه که خود آن‌ها آموزش داده‌اند و با آن اصطلاحات و ادبیاتی که خود آموخته‌اند زیارت کنیم.

### شبهه غلو در زیارت جامعه کبیره اشتباه است

وکیلی در ادامه به سخنان برخی افراد در خصوص شک در سند این زیارت نیز اشاره کرده و توضیح می‌دهد: امروز برخی به اصطلاح روشنفکران بخصوص در فضای مجازی به زیارت جامعه کبیره تهمت غلو زده یا این زیارت را مانیفست شیعه می‌نامند. در پاسخ به این افراد باید به نکاتی اشاره کرد که بیان می‌کند سند این زیارت هیچ ابهام و شبهه‌ای ندارد و این تهمت‌ها از نظر علمی نابه‌جا و اشتباه است.

او خاطر نشان می‌کند: این زیارت راوی معتبری دارد؛ موسی‌بن عبدالله نخعی به دلایل فراوانی قابل اعتماد است؛ بزرگانی مانند علامه حلی(ره)، سید بن طاووس(ره)، محمد بن عبدالله کوفی، اسماعیل برمکی و دیگران همه بر وثاقت او اتفاق نظر دارند. دیگر اینکه وجود زیارت جامعه در آثار بزرگان و علمای قرن چهارم و پنجم، مانند کتاب «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق(ره) و «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی(ره) نشان‌دهنده اعتبار این متن است.

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: این زیارت به لحاظ محتوا هم بسیار دقیق، متین و عالمانه است. اینکه برخی می‌گویند در این زیارت عبارت‌های غالیانه وجود دارد، باید بگوییم که ائمه(ع) بشدت با غلو مبارزه می‌کردند و شیعیان را از آن نهی می‌کردند؛ بنابراین اگر روایتی ولو به ظاهر غلوآمیز باشد، اما در کلمات متعدد معصومان(ع) آن هم در حد تواتر معنوی، رسیده باشد، پس نمی‌توان آن را نادیده گرفت و خود نشان از غلوآمیز نبودن آن روایت دارد.

علاوه بر آن، در همین متن با عبارت‌هایی مواجهیم که نشان از ضدغلو بودن این زیارت دارد. امامان ما افرادی هستند که تقوا می‌ورزند؛ یعنی عبد خدا ترسی هستند که رعایت حدود و قوانین الهی را انجام می‌دهند؛ صادق هستند، دروغگو نیستند، امین و مطیع اوامرالله هستند و... تمام این موارد با افکار غالیان تفاوت دارد. ضمن اینکه این تعابیر تنها در این متن ذکر نشده که بتواند اصالت آن را زیر سؤال ببرد؛ بلکه مکرراً در متون دیگر شیعی هم ذکر شده و شواهد بسیاری در این آثار وجود دارد. البته نباید از نظر دور داشت که درک این زیارت و عبارت‌های موجود در آن کاری آسان نیست و مخاطب باید به مرحله‌ای از رشد معارف دینی وحیانی رسیده باشد که متوجه عمق این مطالب شود.

## دیدگاه

دیدگاه حجت‌الاسلام ملک‌زاده درباره نظریات اصولی و مبنایی امام خمینی(ره)

# خطابات قانونیه؛ یک اَبر نظریه اصولی

**اندیشه:** امام خمینی(ره) یکی از فقهای برجسته تاریخ تشیع است و با توجه به نظریات راهگشا و مبنایی که در اصول دارد، می‌تواند معضلات و مشکلات فقهی عصر جدید و نظام اسلامی را چاره‌اندیشی کند. در ادامه بخشی از گفت‌وگوی پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل با حجت‌الاسلام محمدحسین ملک‌زاده، مدرس درس خارج حوزه علمیه قم درباره نظریات اصولی امام خمینی(ره) را می‌خوانید.

### تغییر اساسی در نگاه به اصل تشریع

«خطابات قانونیه» نام نظریه‌ای در علم اصول است که امام خمینی(ره) آن را ابداع و طرح کرده‌اند و چه بسا بتوان از آن به عنوان ما به الامتیاز اندیشه اصولی حضرت امام(ره) از سایر اصولیان یاد کرد. خطابات قانونیه را به خاطر تغییر اساسی که در نگاه به اصل تشریع ایجاد می‌کند و گستردگی آثار و پیامدهای اصولی و فقهی‌اش، به جای نظریه، می‌توان یک «اَبر نظریه اصولی» نامید و روشن است که این ابرنظریه، گذشته از اهمیت زیادی که دارد، نشانگر نبوغ مبدِع و پردازندهٔ آن هم هست. اَبر نظریه خطابات قانونیه یک دیدگاه سرنوشت‌ساز در اجتهاد و فقاهت با رویکرد اجتماعی و حکومتی درباره کیفیت جعل احکام و در حقیقت، در باب رابطه خدا با مردم است که گفتمان مولی و عبید را به قانون‌گذار و مردم تغییر می‌دهد و این‌گونه بیان می‌کند که این امّت و عموم مکلفین هستند که اولاً و بالذات، مخاطب خطابات تشریعی می‌باشند، نه افراد و آحاد. امام خمینی(ره)، خطابات تشریعیه متوجه به جامعه و عامّة المکلفین را «خطابات قانونیّه» می‌نامند. شایسته ذکر است که این دیدگاه در قیاس با دیدگاه‌های رقیب، انسجام و قرابت به مراتب بیشتری با وجدان عقلا و اعتبارات و بنائات عقلائیه دارد.

### بارقه‌ای ملکوتی که از سوی خداوند الهام شده است

این نظریه در عین آنکه در بسیاری از بحث‌های فقهی و اصولی کاربرد دارد و راهگشا می‌باشد و با وجود آثار و پیامدهای شگرف و گسترده‌ای که در بخش‌های مهمی از علم اصول دارد، بشدت ناشناخته و مجهول است؛ بدین معنا که نه تنها مجهول القدر است و ارزش آن شناخته نشده است، بلکه حتی اصل آن هم ناشناخته مانده است. این نظریه پر اهمیت، چونان بئرمعطّله، مهجور و مغفول گذاشته شده است؛ نه در مجامع علمی مطرح است و نه در دروس خارج اصول، حتی در دروس ادامه‌دهندگان مکتب قم، به میزانی که شایسته است، عین و اثری از آن مشاهده می‌شود. در نتیجه، عموم حوزویان اطلاع چندانی از این نظریه ندارند و چه بسا بسیاری حتی با نام این نظریه هم آشنا نباشند تا چه رسد به مفاد و محتوای آن.

همان‌گونه که می‌دانید شهرت اصلی و خاصّ امام راحل در حوزه علمیه قم، از نظر علمی، افزون بر جنبه فلسفی، به قدرت و تفوّق ایشان در عرصه علم اصول بوده است. ایشان با حدّت ذهنی، قوّت عقلی و نبوغ علمیِ چشمگیری که داشتند، پس از گذشت مدت کوتاهی از تدریس خارج اصول، به تعبیر برخی از تلامذه‌اش، در حوزه قم توفانی به پا می‌کند و تمام توجه‌ها را به سوی خود جلب می‌نماید و عموم طلاب قویّ و فاضل در درس ایشان حاضر می‌شوند. حال چنین نابغه و عالم بزرگی در دانش‌ها و معارف مختلف اسلامی، بخصوص در علم اصول، دست به نظریه‌پردازی زده و یکی از مهم‌ترین نظریات اصولی خویش را در قالب نظریه یا آبرنظریه‌ای با عنوان «خطابات قانونیه» عرضه کرده است؛ نظریه‌ای که به تعبیر آیت‌الله حاج‌آقامصطفی خمینی، بارقه‌ای ملکوتی بوده است که از سوی خداوند به حضرت امام(ره) الهام شده است. با این اوصاف، آیا جا ندارد که این نظریه در همه دروس خارج اصول، در همه حوزه‌های علمیه و دست کم در حوزه قم که مرکز نظریه‌پردازی، درس و قیام امام(ره) و محل تولد و ارائه این نظریه بوده است،مطرح گردد و به وسیله أعلام و اعاظم به بحث و بررسی گذاشته شود؟

## خبر

آیت‌الله جوادی آملی در جلسه درس تفسیر:

### راه نجات از القائات شیطانی و مغالطه «اخلاص» است

**پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء:** تمام اقسام سیزده‌گانه مغالطه و برخی از مغالطه‌های مرموز غیرمکشوف، همه این‌ها به وسیله اغوائات شیاطین است؛ این شعور مرموز که مغالطه است، از ناحیه شیاطین در اذهان عده‌ای القا می‌شود، آن وقت این شخص خیال می‌کند که این شبهه از ناحیه خود اوست. این شخص این شبهه را با اشکال، نقد و نصیحت فرق نمی‌گذارد، و آن را از هوشیاری خود تلقی می‌کند، در حالی که دیگری این شبهه سمّی را در ذهن او القا کرد. هر جا سخن از نقد به دین است، نقد به قرآن است، نقد به عترت است، این از سنخ ﴿إِنَّ الشَّیاطینَ﴾ است؛ یک وقت نقد به فلان عالم است، نقد به فلان مؤلف دانشگاهی یا حوزوی است، این‌ها یک نقدهای عادی است، اما اگر-خدای ناکرده - نقد به دین باشد از همان سنخ است که ﴿إِنَّ الشَّیاطینَ لَیوحُونَ إِلی أَوْلِیائِهِمْ لِیجادِلُوکُم﴾ آن وقت این شخص شیطان‌زده که جزو «شیاطین الإنس» است، خیال می‌کند متفکری است که اشکال عمیق دینی کرده است؛ غافل از اینکه، آنکه القاکننده است، شیطان است و آنچه القا شده، شبهه تاریک و ظلمانی هوس‌مدارانه است و مغالطه را به همراه دارد.

اگر کسی بخواهد از اقسام سیزده‌گانه مغالطه و مانند آن نجات پیدا کند این «مخلصاً» باید درس بخواند. اینکه می‌گویند وقتی درس می‌خوانید و مطالعه می‌کنید، «بسم‌الله» بگویید یا فلان آیه را بخوانید، برای همین است از این گونه شبهات نجات پیدا کنید.

### کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی

**مهر:** سومین کنگره «کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی» به‌همت دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی برگزار خواهد شد. در این کنگره سیدسعیدرضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، علی اکبر ولایتی، رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی، آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی سخنرانی خواهند داشت. همچنین در این نشست علاوه بر بررسی چالش‌ها و راهکارهای حمایت از گسترش کرسی‌ها در حوزه علوم انسانی، معارف دینی و هنر و آشنایی با فعالیت‌های هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره، از صاحبان نظریه، نوآوری و نقدهای موفق که تحت نظارت دبیرخانه هیئت، اجلاسیه‌های تخصصی با دفاع موفق داشته‌اند، تجلیل و سند ملی اعطا خواهد شد. این کنگره، دوشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۹۷ از ساعت ۸ الی ۱۲ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی «بلوار ارتش، میدان شهید سوهانی، مجتمع دانشگاهی ولایت، سالن غدیر» برگزار می‌شود.

### کرسی علمی ترویجی بنیادهای سیاست خارجی امام خمینی(ره) برگزار می‌شود

**اندیشه:** کرسی علمی ترویجی «بنیادهای سیاست خارجی حضرت امام خمینی(ره)» سیزدهمین جلسه از سلسله جلسات چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با موضوع کلی «انقلاب اسلامی و سیاست خارجی» توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، برگزار می‌شود. در این کرسی علمی دکتر غلامعلی سلیمانی به ارائه مطلب می‌پردازد و ناقدی آن نیز بر عهده آقایان دکتر علی حمزه‌پور و دکتر سیدرضا موسوی خواهد بود. دبیر علمی این نشست نیز آقای دکتر محسن رادادی، عضو هیئت علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. این جلسه، دوشنبه ۲۰ اسفندماه جاری از ساعت ۱۷:۰۰ تا ۱۹:۰۰ در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به نشانی «تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان پژوهشگاه، پلاک ۲ برگزار خواهد شد.


**آگهی ابلاغ اخطاریه ماده۱۰۱آیین نامه اجرایی۹۷۰۰۳۱۹ورامین**

درخصوص پرونده اجرایی کلاسه فوق له بانک مسکن علیه آقای سید حسین ایلدرآبادی بدین وسیله به آقای سید حسین ایلدرآبادی فرزند سید محمد علی تاریخ تولد : ۱۳۷۰/۶/۵شماره ملی : ۰۴۱۰۲۰۷۵۸۶ شماره شناسنامه : ۰۴۱۰۲۰۷۵۸۶به نشانی ورامین. روغن کشی. شهرک هوانیروز.ک گلها. قطعه۱۳۳ که طبق گزارش ماموراداره پست نشانی شما شناسایی نگردیده است ابلاغ می گردد که طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۴کارشناس رسمی دادگستری پلاک ثبتی فرعی سه هزارو دویست وشصت وشش ازپلاک اصلی دو دربخش بهنام پازوکی ناحیه: . واقع درورامین مورد وثیقه سندرهنی شماره ۲۹۴۴۸ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹شهرورامین استان تهران به مبلغ یک میلیارد وچهارصد وهفت میلیون ریال ارزیابی گردیده لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکورمعترض میباشید اعتراض کتبی خود راظرف مدت پنج روزاز تاریخ ابلاغ این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظربه مبلغ ۶۱۵۰۰۰۰ریال به حساب ۰۱۰۳۱۳۴۸۰۰۰۰۱ کانون کارشناسان نزد بانک ملی واریزوبه دفتراین اجرا تسلیم نمایید ضمنابه اعتراضی که خارج از موعد یافاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر باشد ترتیب اثرداده نخواهد شد۶۲۱ث/م الف
رییس اداره ثبت اسنادواملاک شهرستان ورامین

**آگهی حصروراثت**

به تاریخ۹۷/۱۲/۱۴آقای رضا کریمی طی تقدیم دادخواستی که به شماره۶۳۸/۲/۹۷ثبت این شوراشده است چنین اعلام نموده که آقای ولی ا... کریمی فرزند عزیزا... بموجب گواهی فوت شماره۶۷۲۶۰۳ف /۲۰ درتاریخ ۹۷/۱۰/۲۶درآخرین اقامتگاه دائمی خوددر پیشوابدرود حیات گفته وورثه حین الفوت وی عبارتند : ۱. رضا کریمی ش ش۶۴ت ت۱۳۴۳صادره ازپاکدشت فرزند متوفی۲. حسین کریمی ش ش۳ ت ت۱۳۵۴صادره ازپاکدشت فرزند متوفی۳. هما کریمی ش ش۴۶۱ت ت۱۳۴۹ صادره ازپاکدشت فرزند متوفی۴. لیلا کریمی ش ش یک ت ت۱۳۴۸صادره از پاکدشت فرزند متوفی۵. احترام کریمی فرزند عزت الله ش ش۳۰۱ت ت۱۳۲۷صادره ازپاکدشت همسر متوفی // لذا مراتب یک نوبت دریکی ازجراید کثیر الانتشار آگهی می شود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یاوصیت نامه ای ازمتوفی نزد وی می باشد ظرف یکماه ازتاریخ نشرآگهی به شورای حل اختلاف شماره۲پیشوا مراجعه نماید
دبیرشورای حل اختلاف شماره۲شهرستان پیشوا

**آگهی حصروراثت**

به تاریخ۹۷/۱۲/۱۵خانم ندا بختیاری طی تقدیم دادخواستی که به شماره۴۷۸/۱/۹۷ثبت این شوراشده است چنین اعلام نموده که آقای حسن بختیاری فرزند محمد بموجب گواهی فوت شماره۴۱۲۸۸۶درتاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۵درآخرین اقامتگاه دائمی خوددرپیشوا بدرود حیات گفته وورثه حین الفوت وی عبارتند : ۱. مرحوم مسلم بختیاری فرزند حسن ش ش۳ صادره ازورامین پسرمتوفی۲. مجتبی بختیاری فرزند حسن ش ش۳۸۹صادره ازورامین پسرمتوفی۳. فاطمه بختیاری فرزند حسن ش ش۲۹۸صادره ازورامین دخترمتوفی۴. حاجی خانم بختیاری فرزند حسن ش ش۶صادره ازورامین دخترمتوفی ۵. ندا بختیاری فرزند حسن ش ش۱۷۳۵۹صادره ازورامین دختر متوفی۶. مرضیه بختیاری فرزند عباس ش ش۲ صادره ازورامین همسرمتوفی // لذا مراتب یک نوبت دریکی ازجراید کثیر الانتشارآگهی می شود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یاوصیت نامه ای ازمتوفی نزد وی می باشد ظرف یکماه ازتاریخ نشرآگهی به شورای حل اختلاف شماره یک پیشوا مراجعه نماید
دبیرشورای حل اختلاف شماره یک شهرستان پیشوا

**رای شورا**

تاریخ :۹۷/۱۲/۴ شماره پرونده : ۴۰۳/۷/۹۷شماره دادنامه ۴۷۹مرجع رسیدگی :حوزه۷شورای حل اختلاف شهرستان پیشوا خواهان : سهیلا سلیم خانی / پیشوا م چمران م شهدا کوچه تاجیک پ۱۱ خوانده : حجت اله سلطانی / مجهول المکان خواسته : مطالب وجه سفته درتاریخ ۹۷/۱۲/۴جلسه رسیدگی شورای حل اختلاف به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است پس ازملاحظه اوراق ومحتویات پرونده ونظر مشورتی اعضاء شورا ختم رسیدگی رااعلام وبه شرح ذیل مبادرت به صدوررای مینماید : رای شورا // درخصوص دادخواست خانم سهیلا سلیم خانی فرزند قاسم بطرفیت خوانده آقای حجت اله سلطانی بخواسته مطالبه مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰ریال بابت وجه۲فقره سفته بشماره های ۶۱۳۳۴۲(سری ث/۱)و۲۰۷۰۵۱(سری/ی) باانضمام هزینه دادرسی وخسارت تاخیرتادیه باتوجه به مجموع محتویات پرونده وباعنایت به نظریه مشورتی اعضای شورا شرح صورتجلسه مورخ۹۷/۱۲/۴ دعوی خواهان رابه کیفیت حاضروارد تشخیص ومستندا به مواد۲۷و۲۵و۱۸و۹قانون شوراهای حل اختلاف وموادد۵۱۵و۵۱۹و۵۲۲و۱۹۸قانون آیین دادرسی مدنی وموادد۳۰۹و۳۰۸قانون تجارت حکم به محکومیت خوانده بپرداخت مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰ریال بابت اصل خواسته و۴۶۰۰۰۰ریال بابت هزینه دادرسی وخسارت تاخیرتادیه ازتاریخ تنظیم دادخواست ۹۷/۱۰/۲۳لغایت صدورحکم که محاسبه آن بعهده واحدمحترم اجرای احکام می باشد وسپس طبق ماده۳۳۶قانون آیین دادرسی مدنی ظرف ۲۰روزقابل تجدیدنظرخواهی دردادگاه محترم عمومی حقوقی شهرستا ن پیشوا می باشد
قاضی مشورحوزه۷شورای حل اختلاف شهرستان پیشوا

**دادنامه**

تاریخ۹۷/۱۱/۲۳شماره پرونده : ۳۹۷/۱/۹۷ شماره دادنامه : ۴۶۲ مرجع رسیدگی : حوزه یک شورای حل اختلاف شهرستان پیشوا خواهان : خانم شکوفه سبحانی فرزند : سبحان خوانده : آقای سید جمال (سید کمال) طباطبایی فرزند عبداله خواسته : تقاضای مطالبه ی الباقی نفقه معوقه محاسبه شده ازسوی کارشناس محترم ازتاریخ۱۳۷۴/۱۲/۲۵لغایت۲۵ /۹۷/۵ بمبلغ ۲۰۰میلیون ریال وهزینه دادرسی وکارشناسی // درتاریخ۹۷/۱۱/۱۶جلسه رسیدگی شورای حل اختلاف به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است پس ازملاحظه اوراق ومحتویات پرونده ونظر مشورتی اعضاء شورا ختم رسیدگی رااعلام وبه شرح ذیل مبادرت به صدوررای مینماید : رای شورا // درخصوص دادخواست خانم شکوفه سبحانی فرزند سبحان بطرفیت آقای سید جمال (سید کمال) طباطبایی فرزند عبداله بخواسته مطالبه ی نفقه معوقه محاسبه شده ازتاریخ۱۳۷۴/۱۲/۲۵ لغایت۲۵ /۹۷/۵ بمبلغ ۲۰۰میلیون ریال وهزینه دادرسی وکارشناسی با ملاحظه دادخواست تقدیمی وتصویرمصدق عقدنامه شرعی مضبوط درپرونده دلالت برابطه زوجیت بین خواهان وخوانده دارد وخواهان درجلسه رسیدگی شورا مورخ۹۷/۱۱/۱۶ بیان نمودند طی عقدنامه مضبوط درپرونده بتاریخ۷۴/۱۲/۲۵با خوانده عقددائم نمودیم ودارای یک فرزند مشترک هستیم که نزدبنده می باشدامابه دلیل آنکه همسردوم خوانده بودم نسبت به فراهم نمودن هزینه های زندگی ونفقه بنده تعهدی ندارند بطوریکه ازاوایل زندگی خودم (خواهان) رابادستفروشی وسرایداری وکارکردن هزینه های زندگی خودم وفرزندم رافراهم می نمودم وادادخواست دیگری باشماره پرونده۱۹۳/۱/۹۷با موضوع نفقه معوقه طی نظریه کارشناسی مضبوط درپرونده رای نفقه معوقه ازتاریخ ۷۴/۱۲/۲۵ لغایت ۹۲/۹/۲۰به مبلغ بیست میلیون تومان صادرگردیدکه تصویرآن مضبوط درپرونده است ودردادخواست فوق الذکربا شماره پرونده۳۹۷/۱/۹۷مطالبه الباقی نفقه معوقه (طی نظرکارشناس) ازتاریخ۹۲/۹/۲۱به مابعدتامبلغ بیست میلیون تومان رامطالبه دارم واینکه خواهان درجلسه رسیدگی شورا خواسته ی خودرا تامبلغ بیست میلیون تومان ازتاریخ۹۲/۹/۲۱لغایت۹۶/۱۱/۱۵کاهش داده النهایه شورا باتوجه به اوراق ومحتویات پرونده ونظریه کارشناسی نفقه به تاریخ۹۷/۹/۱۳که مصون ازاعتراض باقی مانده است واینکه خوانده علیرغم ابلاغ قانونی درجلسه رسیدگی شورا مورخ۹۷/۱۱/۱۶حاضرنگردیده ولایحه دفاعی نیزارائه ننموده است دعوی خواهان رابدین کیفیت واردوثابت دانسته مستندابه مواد ۱۱۰۶و۱۱۱۱و ۱۲۰۶قانون مدنی حکم به محکومیت خوانده سید جمال (سید کمال) فرزند عبداله بپرداخت نفقه معوقه ازتاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۱لغایت۹۶/۱۱/۱۵(طی کاهش خواسته خواهان درجلسه شوراموورخ۹۷/۱۱/۱۶)به مبلغ بیست میلیون تومان درحق خواهان (شکوفه سبحانی) صادرواعلام میدارد رای صادره غیابی است و مستند به ماده۲۶قانون شوراهای حل اختلاف مصوب سال۹۴ظرف ۲۰ روزپس ازابلاغ قابل واخواهی دراین شورا و ظرف۲۰روزدیگر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم عمومی حقوقی دادگستری شهرستان پیشوا می باشد
قاضی مشاورحوزه یک شورای حل اختلاف شهرستان پیشوا
۹۷۱۸۴۵۴

**آگهی فقدان سند مالکیت**

آقای حبیب اله مالکی نژاد باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت ۵۳۰۳۲۲ ششدانگ یکقطعه زمین پلاک ۲۳۰۷۳/۲۰۵ اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان خیابان منشعبه از جاده خاش مورد ثبت ۳۶۳۳۲ صفحه ۳۸۳ دفتر ۲۲۵ بعلت جابجایی از بین رفته که درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد .
تاریخ انتشار:۹۷/۱۲/۱۹ شناسه: ۱۳۹۶۸۸۳ م الف:۲۱۸۶ آ-۹۷۱۸۳۹۴
حسینعلی ملایی رئیس ثبت اسناد و املاک زاهدان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور / اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان / آگهی تحدید حدود اختصاصی
**حوزه ثبتی شهرستان شیروان**

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه قانون ثبت تحدید حدود یک قسمت از املاک واقع در بخش پنج قوچان حوزه ثبتی این واحد به شرح ذیر پلاک ۱ اصلی سه یک آب قطعه ۴ شیروان بخش ۵ قوچان پلاک ۲۸۰۲ فرعی از ۵۸ فرعی بانو ساریگل کرمی ششدانگ یک قطعه زمین محصور در مورخه یک شنبه ۱۳۹۸/۰۱/۱۸ ساعت ۹ قبل از ظهر انجام خواهد شد.
لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالادر محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مذبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ آ-۹۷۱۸۳۹۵
صمد ابراهیم زاده / رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

**آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه۹۶۰۰۴۷۹**

بدین وسیله به هادی شاکری سکه نام پدر: محمد، شماره شناسنامه: ۲۴۲ ، شماره/ شناسه ملی: ۰۸۲۸۸۳۰۰۷۱ متولد: ۱۳۵۹/۰۶/۱۰ ،به نشانی شیروان، کشاورز، کشاورز۸، پلاک ۲۰ ابلاغ می شود که بانک ملی شعبه شهرداری به استناد قرارداد بانکی شماره ۱۰۸۶۱۶۷۷۵۴۲ جهت وصول مبلغ ۱۲۲/۰۸۶/۲۰۹ ریال تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۸ به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه حساب کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۶۰۰۴۷۹ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۶/۱۰/۰۷ مامور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی جریان خواهد یافت.آ-۹۷۱۸۴۳۶ م الف ۵۳
تاریخ چاپ : ۹۷/۱۲/۱۹ ۹۷۱۸۴۳۶
صمد ابراهیم زادهرئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

**آگهی فقدان سند مالکیت**

نظر به اینکه شرکت تعاونی مسکن مهر قند شیروان به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی اند که سند مالکیت ششدانگ اعیانی به شماره چاپی ۷۹۵۸۰۰ سری الف سال ۹۷ شماره پلاک ۱۲۲۰۹ فرعی از ۱۳ اصلی قطعه ۳ شیروان بخش پنج قوچان که متعلق به ایشان می باشد به علت جابه جایی مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم گردیده که سند مالکیت اولیه ذیل دفتر الکترونیک به شماره ۱۳۹۷۲۰۳۰۷۱۱۴۰۰۶۹۵۰ به نام شرکت صادر و تسلیم گردیده است. که برابر اسناد شمارات ۳۵۸۳۳-۸۹/۰۵/۱۸ و ۵۹۹۹۸-۸۹/۰۷/۱۰ در رهن بانک مسکن به مبالغ ۱۱/۲۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۲۱/۰۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال قرار گرفته است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نمایید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار : ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ آ-۹۷۱۸۴۳۷
صمد ابراهیم زاده / رئیس ثبت اسناد املاک شیروان

**رونوشت آگهی حصر وراثت**

آقای ایمان علی محمدی دارای شناسنامه شماره - به شرح دادخواست به کلاسه ۱۵۰۸/۹۷/۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان یوسف علی محمدی فرزند علی به شناسنامه شماره ۴۵۰۰۰۶۳۰۳۱ در تاریخ ۹۷/۱۱/ ۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آنمرحوم منحصر است به:
۱-زینب علی محمدی فرزند یوسف و فرنگیس بشناسنامه کد ملی ۴۵۰۰۷۵۱۶۸۸ متولد ۱۳۵۴ متوفی
۲-سبحان علی محمدی فرزند یوسف و فرنگیس بشناسنامه کد ملی ۴۵۰۰۹۵۰۸۵۰ متولد ۱۳۶۴ متوفی
۳-نسیم علی محمدی فرزند یوسف و فرنگیس بشناسنامه کد ملی ۴۴۹۰۱۶۹۷۸۷ متولد ۱۳۷۰ متوفی
۴-حامد علی محمدی فرزند یوسف و فرنگیس بشناسنامه کد ملی ۴۵۰۰۹۱۹۶۵۱ متولد ۱۳۶۲ متوفی
۵-ایمان علی محمدی فرزند یوسف و فرنگیس بشناسنامه کد ملی ۴۵۰۱۱۳۷۳۴۷ متولد ۱۳۶۹ متوفی
۶-فرنگیس کلا وای فرزند علی عسگر و آمنه بشناسنامه کد ملی ۴۵۴۹۴۵۶۳۵۳ متولد ۱۳۳۳ همسر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد وی باشد از تاریخ نشرنخستین آگهی ظرف یک ماه به این شورا تقدیم دارد و الا گواهی حصر وراثت صادر خواهد شد. آ-۹۷۱۸۴۵۸
دفتر شعبه پنجم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور / حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۵۳۳۴مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت تصرفات مالکانه بلامعارض آقای شاهین مدنی فرزند فرامرز به شماره شناسنامه ۱۱۰ صادره از رشت در قریه بوسار درسه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل برساختمان به مساحت ۹۸ متر مربع از پلاک فرعی ۲۳۷۷۶ از اصلی ۵۵ مفروز مجزی از پلاک ۱۱۳۳ از اصلی ۵۵ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای سیف اله فتحی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۶۳۴۱ ۹۷۱۷۵۹۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۲/۰۴ / تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۱۹
حسین اسلامی کجیدی / مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور / حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۵۳۳۳مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای شهاب الدین مدنی فرزند فرامرز به شماره شناسنامه ۲۸۰ صادره از رشت در قریه بوسار درسه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل برساختمان به مساحت ۹۸ متر مربع از پلاک فرعی ۲۳۷۷۶ از اصلی ۵۵ مفروز مجزی از پلاک ۱۱۳۳ از اصلی ۵۵ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای سیف اله فتحی محرز گردیده است،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۶۳۴۳ - ۹۷۱۷۶۰۴
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۲/۰۴ / تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۱۹
حسین اسلامی کجیدی /مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۹۲۵۵ -۱۳۹۷/۱۱/۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالرحیم یعقوبی سنگانی فرزند یوسف بشماره شناسنامه ۳۰۹ صادره از تایباد در ششدانگ دو باب مغازه و طبقه فوقانی به مساحت ۱۸۹،۷۵ متر مربع پلاک ۱۹۹ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت رسمی و مشاعی غلام حسن یحیایی سنگانی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۷۵۹۳
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۲/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۱۹
غلامرضا آقازاده /رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۶۷۴۴ -۱۳۹۷/۰۷/۰۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای الیاس شیرخونی فرزند دین محمد بشماره شناسنامه ۱۷۴۰ صادره از تایباد در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۳۶ متر مربع پلاک ۲ فرعی از ۲۵۶ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت رسمی و مشاعی مهدی شیرخونی (متقاضی) و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۷۵۹۴
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۲/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۱۹
غلامرضا آقازاده / رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

شماره پرونده: ۱۳۹۴۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۵۶۴/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۴۰۱۹۵۸ شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۱۰۱۲۶۲۳
ابلاغ اخطاریه ارزیابی کلاسه ۹۴۰۱۹۵۸
بدینوسیله به شما آقای علی ساده حسین‌آباد قاینی نام پدر: محمدعلی تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۵/۲۷ شماره ملی: ۰۹۴۰۶۳۷۰۰۶ شماره شناسنامه: ۴۴۴ با توجه به عدم شناسایی آدرس شما و بنا به درخواست بستانکار ابلاغ میگردد که ششدانگ ثبتی ۱- فرعی: ۲۹۳۰۷ از پلاک اصلی ۲۳۲ در بخش: ۹ ناحیه: ۱ واقع در مشهد بین دانش غربی ۳ و ۵/۱ پلاک ۸۳ مورد وثیقه سند رهنی شماره ۳۰۶۳۶ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷۸ شهر مشهد استان خراسان رضوی به مبلغ ۲۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده. جهت اطلاع از طریق جراید به شما ابلاغ میگردد. آ- ۹۷۱۸۳۴۷
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
علیرضا لعلی

## رومنیگه: خامس در بایرن مونیخ می‌ماند

## ورزشگاه جدید تاتنهام در آستانه افتتاح

این ورزشگاه ۷۵۰ میلیون پوند برای این باشگاه انگلیسی هزینه در بر داشته است.

## احتمال حضور گواردیولا در یوونتوس

## تغییر در برنامه قرعه‌کشی‌های لیگ قهرمانان اروپا

### ضدحمله

خطری که تعدادی از بازیکنان استقلال را تهدید می‌کند

# نیمکت‌نشینی خریدهای پرسروصدای آبی‌ها

نیمکت خطرناک

تاثیر خریدستاره‌ها

شفر: مربی جدید ایران باید ذهنیت و شرایط مردم را بداند

# پرسپولیس قهرمان می‌شود!

**ورزش:** شفر، سرمربی آلمانی استقلال خارج از بحث‌های رزومه فوتبال و استقلال در مورد شناختش از ایران، از سبک زندگی مردم در تهران و سایر نقاط کشور نکات جالبی را عنوان کرد.

**● اولین چیزی که از ایران به مردم کشورتان می‌گویید چیست؟**

اولین بار که سفره پر از میوه‌جات را دیدم از مردم پرسیدم چرا این همه میوه روی میز قرار می‌دهید که متوجه شدم این کار یک سنت است. مردم ایران انواع چیزهایی را که با حرف «س» شروع می‌شود مثل سیب، سبزی و ... روی سفره‌های خود قرار می‌دهند. این یک سنت جالب است و از آن لذت بردم. شنیده‌ام در ایام نوروز همه جا تقریباً تعطیل است و مردم سر کار هم نمی‌روند ولی در آلمان این گونه نیست و البته سنت‌ها هم با هم متفاوت است.

**● ایرانی‌ها یک سنتی دارند که مثلاً در حوالی سال نو دروغی می‌گویند که اسمش دروغ ۱۳ است. در اروپا به این دروغ می‌گویند دروغ اول آوریل.**

درست است، در آلمان می‌شود یک لطیفه ساخت و مثلاً یک صحبت شوخی و خاصی انجام داد.

**● می‌توانید یک دروغ ۱۳ به ایرانیان بگویید؟**

فکر می‌کنم... پرسپولیس قهرمان می‌شود(باخنده)البته این یک شوخی با خود آقای برانکو است.

**● به عنوان سرمربی استقلال تجربه شما از مسابقات لیگ قهرمانان آسیا چه بوده است؟**

ما دوباره در یک گروه سخت قرار گرفتیم، اما انصافاً متوجه قرعه‌کشی مسابقات نمی‌شوم. چرا هر سال ما با العین و الهلال همگروه هستیم. این تیم‌ها میلیون دلاری هزینه می‌کنند و طبیعتاً کار سخت می‌شود البته ترسی نداریم چون سال گذشته از بین همین دو تیم به مرحله بعد صعود کردیم. ولی به هر حال کار سخت است. همیشه هم گفته‌ام بهترین تیم برنده می‌شود نه بهترین بازیکن.

**● چرا به شما می‌گویند شیرِ پیر.**

در کامرون بعد از جام جهانی ۲۰۰۲ این لقب را به من دادند.

برانکو: پیشنهادی برای سرمربیگری تیم ملی نداشته‌ام

# جنگ برای دومی جالب شده است!

برنده رقابت ۱۵ نفره چه کسی خواهد بود؟

# تب و تاب هندبالی‌ها برای انتخاب رئیس

### منهای فوتبال

## رستمی پهلوان کشتی باچوخه شد

## امیری: لژیونر جدید والیبال

## مدال‌آور پارالمپیک مدالش را به حراج گذاشت

## احساس کنم مرا نمی‌خواهند، می‌روم

## سوارکاری ایران کرسی‌های آسیایی اش را از دست داد

## انصراف ذوب‌آهن از جام باشگاه‌های والیبال آسیا

## کاله از دیدار رده‌بندی والیبال انصراف می‌دهد؟

در آستانه بازی حساس با تراکتورسازی

## تمرینات پدیده شهر خودرو تعطیل شد!

## کفاشیان استعفا کرد

## مصلح بازی با السد را از دست داد

## ذوب‌آهن با یک غایب مقابل النصر

## نورافکن: صعود به المپیک کار آسانی نیست

## عزیزی: خودم طلسم می‌کنم!

## تکذیب خداحافظی خورشیدی از داوری

## دژاگه: امیدوارم روند خوب تراکتورسازی ادامه‌دار باشد

## بازگشت هافبک پرسپولیس به تمرینات گروهی

## رضا ناصحی

ذوب آهن دانستند، ناصحی در استوری خود به کنایه از همشهری‌های خود تشکر کرد اما در ادامه گفت: «زخم‌های دلت را فقط به خدا بسپار همه آن‌ها کم کم آرام می‌شود.»

## حسین ماهینی

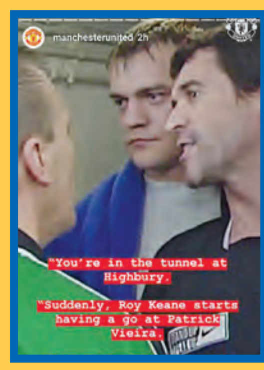

## منچستر یونایتد

## علیرضا بیرانوند

سوال بزرگ از وزارت ورزش

# چرا اعضای هیئت‌مدیره پرسپولیس مشخص نمی‌شوند؟

**ورزش:** نهم آذر سال جاری بود که ایرج عرب به عنوان سرپرست باشگاه پرسپولیس فعالیت خود را شروع کرد، هرچند عرب پیش از این هم در باشگاه پرسپولیس حضور داشت اما از این تاریخ و به حکم وزارت ورزش عرب نفر اول باشگاه پرسپولیس شد.

درست از همان روزها بحث روشن شدن تکلیف هیئت مدیره باشگاه پرسپولیس هم مطرح شد اما تا امروز هیچ اتفاقی در این خصوص رخ نداده است. درست برعکس باشگاه استقلال که حداقل تکلیف هیئت مدیره‌اش مشخص شده، باشگاه پرسپولیس فعلا فاقد هیئت مدیره است و تمام تصمیمات باشگاه به صورت یک‌جانبه از سوی عرب و البته مشاورانش گرفته می‌شود.

هرچند جعفر کاشانی به اسم هم شده رئیس هیئت مدیره باشگاه پرسپولیس است اما عملا بعد از آمدن عرب به باشگاه پرسپولیس هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌های این باشگاه ندارد! این در شرایطی است که شنیده می‌شود ترکیب ...

### گزارش کوتاه

لیگ برتر بسکتبال

## تخت گاز تا ایستگاه ششم!

عجیب‌ترین بهانه‌های فوتبالی تاریخ

# از دودهای آتشفشانی تا لباس خاکستری!

### ورزش در سیما

| | |
|---|---|
| هفته ۳۰ لیگ برتر انگلیس | لیورپول – برنلی |
| هفته ۳۰ لیگ برتر انگلیس | چلسی – ولورهمپتون |
| هفته ۳۰ لیگ برتر انگلیس | آرسنال – منچستر یونایتد |
| هفته ۲۷ لالیگا اسپانیا | وایادولید – رئال مادرید |
| لیگ قهرمانان آسیا | النصر – ذوب آهن |

قدس زندگی

ادب و هنر

۱۴ یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷

| ۳ رجب ۱۴۴۰ | ۱۰ مارس ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۲۳ |

## یادداشت

ملیکا آلیک

### نگاهی به کتاب سدا، اثر پری رضوی

## پای یک «مادر» درمیان است

کتاب سَدا با فتح «س» نام غریبی دارد؛ در تعریف این کلمه آمده: «آوازی را گویند که در کوه و گنبد و حمام و امثال آن پیچد و معرب آن صداست» و رمان پر از صداست. آن‌قدر سر و صدا و حرف و دیالوگ که گاهی شک می‌کنید که رمان را می‌خوانید یا می‌شنوید.

با توجه به طرح جلد زیبا و هوشمندانهٔ کتاب، که جنین و صدای قلبش را به تصویر در آورده، راز کتاب نگشوده باز می‌شود؛ پای یک زن، یک مادر، در میان است. با خواندن اولین صفحه از ماجرای زوجی پیر که تمام عمر حسرت بچه‌دار شدن داشتند و حالا با کلی مکافات و عمل بچه‌دار می‌شوند، قصه لو می‌رود، اما زندگی بسیار پیچ‌وخم دارد و همان‌طور که در پاراگراف آغاز و پایان کتاب می‌خوانیم: «شنیده بودم دنیا گرد است؛ اما چه می‌دانستم این‌همه گرد، این‌همه کوچک، هم‌اندازهٔ گردی داخل لباسشویی‌مان. آن‌قدر می‌چرخاند و مچاله‌مان می‌کند که به گوشت و خون می‌رسیم...» گویا زندگی در کل و این کتاب بخصوص قصد دارد مخاطب را به چالش بکشد و سؤالاتی دارد.

خوشبختانه خانم پری رضوی اصلاً قصد گره انداختن و ماجرایی کردن داستان را ندارد و یکراست و خیلی زود می‌رود سر اصل مطلب و هر کجا سؤال و ابهامی پیش می‌آید، آن را برطرف می‌کند؛ اما از آنجا که ایشان سابقهٔ قصه‌گویی برای کودکان و تدریس داشته‌اند، به کمک لحنی زنانه و بی‌شیله‌پیله به‌خوبی مخاطب را همراه و مشتاق خواندن ادامه ماجرا می‌کنند.

راوی اول شخص زنی ۵۷ ساله و خانه‌دار و سنتی است با زبانی روان که از تکیه‌کلام‌های عامیانه مانند «ما از درگاه خدا سهمی نداریم» و ضرب‌المثل و تشبیه‌های جالب و بدیعی چون «آخر آخرهای زندگی‌مان آرزوهای جلیل و من عین هم شده بود؛ مثل کاربن‌های غلیظ آبی قدیمی که رنگ خودکار با رنگ کاربن از هم معلوم نمی‌شد. بس که جنسشان خوب بود» استفاده می‌کند.

این کتاب به همت مدرسهٔ رمان شهرستان ادب منتشر شده، پس تکنیک‌های داستان‌نویسی به‌خوبی در آن رعایت شده است و علاوه بر آن، با تکنیک‌های عمیق، اما ظریفی از نویسنده نیز مواجه هستیم. مانند اینکه چون سن راوی زیاد است و ممکن است به فراموشی دچار شده باشد و از جهتی در افکارش به گذشته می‌رود و خاطراتش را بررسی می‌کند، بارها اتفاق می‌افتد که یک جمله یا یک پاراگراف عیناً در کتاب تکرار می‌شود. در موردی دیگر راوی باردار است و منتظر و این انتظار موجب می‌شود که نسبت به زمان حساس باشد، پس برای نویسنده هم زمان مسئله می‌شود و علاوه بر اینکه جابه‌جایی‌های زمانی در رمان اتفاق می‌افتد، زیر عنوان هر فصل زمان به فرم ساعت‌هایی درج شده و عدد و رقم در داستان پررنگ است؛ مانند ۲۱ روز در بیمارستان- ۳۸ روز طول می‌کشد که جلیل راضی شود- نذر ۴۰ روز چرخاندن تسبیح که همهٔ این اعداد در واقعیت به شکلی به پروسهٔ بارداری ربط دارند.

این رمان به هیچ عنوان فمینیستی یا ضد زن نیست و نخواسته وابسته به هیچ «ایسم» خاصی باشد؛ بلکه بدون قضاوت و دخالت، تصویرگر زنی سنتی در ایران است. با اینکه خانم رضوی زن جوان امروزی است و در همین عصر زندگی می‌کند، اما به‌خوبی توانسته جلوی دخالت‌های نویسنده را بگیرد و بگذارد شخصیت زن سنتی و ساده‌دل و در عین حال بسیار مهربان داستان خودش فکر کند و حرف بزند، برای همین ما مونولوگ‌های زنی را می‌خوانیم که نمی‌تواند از خودش دفاع کند و مجبور است پشت حمایت شوهرش زندگی کند، با کلیشه‌هایی مثل خوش‌قدمی و بدقدمی درگیر است، در فضای کار دستپاچه و ناشی است و مدام خودش را به‌خاطر زود قضاوت کردن سرزنش می‌کند، تا جایی که تکیه‌کلامش این است که «خاک بر سرم باز زود قضاوت کردم.» با این همه مخاطب به‌خوبی می‌تواند با این شخصیت همذات‌پنداری و همراهی کند.

## خبر

### انتشار شرح زندگی «ام یاسر» همسر دبیرکل پیشین حزب‌الله

## «هم قسم» به بازار کتاب آمد

**ادب و هنر:** کتاب «هم قسم» شرح زندگی و خاطرات «ام‌یاسر»، همسر شهید سید عباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب‌الله لبنان توسط به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) منتشر شد.

به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی به‌نشر، «هم قسم» روایتگر شرح زندگی و خاطرات شهیده سیده سُهام الموسوی معروف به «ام یاسر» بانویی است که برای حق‌دوستان، شخصیتی سترگ بود.

این اثر در چهار فصل حکایتگر شخصیت واقعی بانویی است که مانند او را در میان هم‌قطارانش به ندرت می‌توان یافت، «ام یاسر» زنی که دلداده و عاشق همسرش بود و مادری که به تمام معنا مادری می‌کرد و همه ویژگی‌های مادر فداکار را در خود جای داده بود و همچنین مجاهدی از جان گذشته در مسیر جهاد و شهادت و همگام با شوهرش سید عباس بود.

این شهید بزرگوار هم در همسری و هم در مادری و هم در جهاد و شهادت یکه تاز میدان بود و با همه این ها، نمونه یک بنده مطیع خداوند بود، زنی که حق پیمان خود با پروردگارش را ادا کرد و در این مسیر تا آخر استوار ماند. کسی که با خداوند بزرگ، معامله‌ای سودمند کرد و جانش را در مسلخ عشق الهی قربانی کرد و سرانجام با شهادتش به وصال محبوب شتافت.

این اثر که برگردان کتاب «الوصول» نوشته «عبدالقدوس الامین» نویسنده لبنانی است در ۳۵۰ صفحه و با ترجمه «احمد نطنزی» روایتگر زندگی این بانوی همراه با جبهه مقاومت اسلامی است.

فصل نخست این اثر یادآور خاطرات این بانوی جهادی است، فصل دوم «جلوه‌هایی از شکل گیری شخصیتی استوار» نام دارد، فصل سوم «پرواز تا اوج» و فصل چهارم و پایانی این اثر «آلبومی از تصاویر» این شهید بزرگوار به همراه خانواده وی ثبت شده است.

نویسنده در پیشگفتار این اثر یادآوری می‌کند: «ام یاسر» پدیده‌ای منحصر به فرد بود و نتیجه قلم زدن درباره او نیز خواه ناخواه کار متفاوتی می‌شد، در نگارش «هم قسم» از سلسله مطالعات در دست نوشته‌ها و مقالات و بیش از ۳۰ مصاحبه که از وی به یادگار مانده استفاده شده است.

شهید سید عباس موسوی در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ هنگامی که برای شرکت در مراسم سالگرد شیخ راغب حرب به روستای جبشیت رفته بود، در راه بازگشت به بیروت، خودروی حامل او مورد حمله هلی‌کوپترهای رژیم غاصب صهیونیستی قرار گرفت که در نتیجه آن او، فرزند و همسرش به شهادت رسیدند.

### قدس از بی‌توجهی به ادبیات کشورهای عرب‌زبان گزارش می‌دهد

# غرب‌زدگی در ترجمه‌های ادبی

**ادب و هنر/ خدیجه زمانیان |** با آنکه میان ایران و جهان عرب اشتراک‌های تاریخی و دینی بسیاری وجود دارد، اما ایرانی‌ها بیشتر، نویسندگان و شاعران مغرب‌زمین را می‌شناسند و از بزرگان عرب زبان اطلاع چندانی ندارند. برای صحت این گفته کافی است به شمار مترجمانی بنگرید که آثار انگلیسی، فرانسوی و آلمانی را از کشورهای دیگر ترجمه می‌کنند، اما مترجمان کمتری در حوزه ترجمه آثار ادبی عرب‌زبان فعالیت می‌کنند و برای ترجمه این آثار از خود علاقه‌مندی نشان می‌دهند. ترجمه آثار ادبی عرب‌زبان در قیاس با آثار کشورهای دیگر مانند قطره‌ای است در برابر دریا.

البته مترجمانی مانند موسی بیدج و یا غلامرضا امامی معتقدند بر خلاف ایرانی ها، کشورهای عرب زبان علاقه به فرهنگ و آثار ایران زمین دارند، اما رخدادهای سیاسی مانع از این شده تا آثار ایرانی به کشورهای عربی راه پیدا کند و یا آثار عرب زبان بیشتری در ایران ترجمه شود. تا به حال همه آثاری که از شاعران و نویسندگان عرب زبان در ایران ترجمه شده است به لطف علاقه‌های شخصی مترجمان بوده و نه اقبال بازار و یا ناشران.

موسی بیدج، شاعر، نویسنده و مترجم حوزه ادبیات عرب در نشست تخصصی «بررسی وضعیت ترجمه آثار ایرانی به زبان عربی» گفته بود:

اعراب به ادبیات و فرهنگ ما علاقه‌مند هستند. من در بیش از ۱۵ کشور عربی حضور داشته‌ام و در تمامی آن‌ها در محافل دانشگاهی، سمینارها، تجمعات فرهنگی و ادبی بوده‌ام و بیشترین سؤالی که از من کرده‌اند، درباره فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی بوده است.

### عرب‌ستیزی و تأثیر بر روابط فرهنگی

موسی اسوار علت کم توجهی ایرانی‌ها به آثار ادبی عرب زبان را عرب ستیزی برخی ایرانی‌ها می‌داند. او می‌گوید: عرب ستیزی که در برخی ایرانیان وجود دارد ناخودآگاه بر روابط فرهنگی هم تأثیر گذاشته است. این مترجم زمینه ذهنی بی توجهی ایرانی‌ها به آثار عربی را مربوط به وقایع تاریخی صدر اسلام می‌داند. او در همین باره می‌گوید: فتح ایران اگرچه سبب ورود اسلام به ایران شد، اما تصویری در تاریخ ذهنی ایرانیان بر جای گذاشته که این تصویر در طول تاریخ به گونه‌های مختلف خودش را نشان داده است. تا آن جا که در دوران‌هایی مثل صفویه، قاجار و پهلوی عرب‌ستیزی در ایران رشد و شدت پیدا کرد و توجه به فارسی‌نویسی از سوی دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفت.

با آنکه این عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی توجه به ترجمه آثار فارسی به زبان عربی و متقابلاً آثار عربی به زبان فارسی را راهی برای از بین بردن تصاویر نادرست از اذهان ملت‌ها عنوان می‌کند، اما تاریخ ترجمه نشان می‌دهد در این مورد تلاش خاص و مدونی صورت نگرفته و ترجمه‌های جسته گریخته به دلیل علاقه شخصی خود مترجمان بوده است.

اسوار معتقد است هر چند جهان عرب فقط با چند نویسنده معاصر ایران آشناست، اما این مهجور بودن درباره ترجمه آثار فارسی به زبان عربی وضعیت غم‌انگیزتری دارد. از ادبیات فارسی در کشورهای عربی فقط کتاب‌هایی نظیر «بوف کور» و «ماهی سیاه کوچولو» مجال ترجمه و انتشار پیدا کرده‌اند و اهل ادب و مخاطب آثار ادبی کشورهای عرب‌زبان با سایر ادبیات ایران بیگانه است البته در کشور مصر وضعیت زبان فارسی به‌مراتب بهتر از سایر نقاط جهان است، زیرا مرکز ترجمه این کشور طی سال‌های گذشته در جهت ترجمه آثار فارسی گام‌هایی برداشته و آثار فارسی را ترجمه و منتشر می‌کند.

### علاقه کشورهای عربی به ادبیات معاصر ایران

با همه بی‌توجهی که به ترجمه آثار عرب زبان و یا ترجمه عربی آثار فارسی در کشور وجود دارد، اما جسته و گریخته اخباری مبنی بر ترجمه ادبیات معاصر ایران در کشورهای عرب زبانی مثل عراق، لبنان و سوریه می‌بینیم.

غلامرضا امامی که به تازگی سه مجموعه شعر و داستان با ترجمه و دبیری او وتوسط نشر روزبهان منتشر شده است، در پاسخ به این پرسش که چرا با توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی زیادی که با کشورهای خاورمیانه و عرب زبان داریم، ترجمه‌های دوسویه به زبان‌های عربی و فارسی کمتر انجام می‌شود، می‌گوید: اتفاقاً کشورهای عربی بسیار به ادبیات ایران و بخصوص ادبیات معاصر علاقه‌مند هستند، اما به خاطر شرایط سیاسی، افکار عمومی نسبت به کشورهای عرب زبان مطلوب نیست و ادبیات هم متأثر از این مسئله است.

بر خلاف ایرانی‌ها کشورهای عربی از ادبیات معاصر ما بخصوص از شعر معاصر استقبال می‌کنند و داستان نویسان ما را می‌شناسند، بخصوص بانوان داستان نویس و تا آن جا که من اطلاع دارم آثار نویسندگانی مثل فریبا وفی، جلال آل احمد، شعرهای سهراب سپهری و فروغ طرفداران خودش را دارد. خوانندگان عرب هم بسیار وسیع هستند و بیشتر از ایرانی‌ها هستند با اینکه ما روابط چندان حسنه‌ای با مصر نداریم، اما مصری‌ها از آثار ادبی ایران استقبال می‌کنند، چون بسیاری از آثار ایران در این کشور ترجمه شده و مورد اقبال قرار گرفته است.

مترجم آثار غسان کنفانی ادامه می‌دهد: اگر می‌بینید آثار شاعران و نویسندگانی مانند: محمود درویش، نزار قبانی، غادة السمان و یا غسان کنفانی در ایران طرفدار دارد به خاطر تلاش‌های شخصی و همت‌های فردی مترجمانی نظیر موسی بیدج است که سال‌های پیاپی همه زندگی‌اش را وقف شناساندن زبان عربی به ایرانی و معرفی ادبیات معاصر ایران به زبان‌های عربی کرده است.

امامی به نقش رایزنان فرهنگی در ایجاد روابط فرهنگی حسنه میان کشورها اشاره می‌کند و می‌گوید: رایزن‌های فرهنگی در کشورهای عربی باید برای روابط خوب فرهنگی میان کشورها تلاش کنند یکی از این کشورها مصر است و من امیدوارم روابط فرهنگی ما با مصر بیشتر شود چون مردمان این کشور بسیار به ادبیات ایران علاقه‌مند هستند. زمانی زبان دوم دانشگاه‌های مصر، فارسی بود و مردم شاهنامه و رباعیات خیام را می‌شناختند حتی من در قاهره خیابانی دیدم به نام محمد مصدق و مصری‌ها برای این فرد احترام زیادی قائل بودند. خیلی از واژه‌های ایرانی در آن جا متداول بود؛ مثلاً روی داروخانه‌ای به جای واژه «صیدلیه» واژه «دواخانه» حک شده بود، اما متأسفانه وقتی روابط سیاسی بین کشورها حسنه نباشد، فرهنگ هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

### کتاب خوب مرزها را پشت سر می‌گذارد

غلامرضا حیدری ابهری که آثارش در کشورهای زیادی ترجمه شده در پاسخ به این پرسش که آثارش چگونه ترجمه شده‌اند و آیا این ترجمه‌ها جنبه تبلیغی دارند یا واقعا از این آثار استقبال می‌شود، می‌گوید: بعضی کتاب‌ها به خاطر وجود بودجه و به خاطر تبلیغ ترجمه می‌شوند اما آثاری هم هستند که واقعاً بدون خبر نویسنده ترجمه می‌شود و از آن‌ها استقبال می‌شود. چندین اثر من بدون اطلاع خودم و ناشر در کشور مقصد و با هزینه خودشان منتشر شده و با استقبال مواجه شده است بنابراین اثر اگر خوب باشد راهش را پیدا می‌کند و مرزها را هم پشت سر می‌گذارد و این نشان از موفقیت کتاب دارد مخصوصا کتاب هایی که به هر حال به نوعی ترویج فرهنگ ماست. این انتشار واقعی یک کتاب است.

نویسنده مجموعه «به من بگو خدا کیست؟» ادامه می‌دهد: بعضی از کتاب‌های من در کشورهای عربی منتشر شده و مرتبط به ارگان‌های داخلی هم نیست. ناشر خصوصی کتاب را گرفته ترجمه کرده و چاپ کرده است.

برش

اسوار: از ادبیات فارسی در کشورهای عربی فقط کتاب‌هایی نظیر «بوف کور» و «ماهی سیاه کوچولو» مجال انتشار پیدا کرده‌اند و اهل ادب و مخاطب آثار ادبی کشورهای عربی با سایر ادبیات ایران بیگانه است البته در کشور مصر وضعیت زبان فارسی به‌مراتب بهتر است

برش

امامی: بر خلاف ایرانی‌ها کشورهای عربی از ادبیات معاصر ما بخصوص از شعر معاصر استقبال می‌کنند و داستان نویسان ما را می‌شناسند، بخصوص بانوان داستان نویس و تا آن جا که من اطلاع دارم آثار نویسندگانی مثل فریبا وفی، جلال، شعرهای سهراب سپهری و فروغ طرفداران خودش را دارد

برش

ابهری: بعضی کتاب‌ها به خاطر تبلیغ ترجمه می‌شوند. اما کتاب خوب راهش را پیدا می‌کند و مرزها را هم پشت سر می‌گذارد و این نشان از موفقیت کتاب دارد مخصوصا کتاب هایی که به هر حال به نوعی ترویج فرهنگ ماست. این انتشار واقعی یک کتاب است

## دیدگاه

### نگاهی ادبی به جهان نقاشی‌های «باب راسی»

# این «کلبه» خانه ما نیست

**ادب و هنر/ علی داودی |** آب سرمنشأ حیات و طبعاً جنگ‌ها و تمدن‌ها برای کشوری که ثلث آن کوه و نیم آن کویراست خواب شیرین و قاب رنگینی از آرزوهاست.

### آب

اقلیم متفاوت و عوامل جغرافیایی دیگرگونه هاله‌ای دست نیافتنی بر آن تنیده تا همیشه رؤیای گریز در ذهن و خیال باشد. گریز؛ جایی بهشت گونه است که در آن به کار و تلاش فکر نکنی راحت باشی و احیاناً در جوار حوری و پری، موسیقی و سماعی باشد شبیه وضعیتی که اهل بهشت دارند؛ غرق نعمت کار نکردن و لذت بردن!

وسوسه و تشویق و جایزه بهشت بیش از هرکسی برای ما مسلمانان مفیداست که نوعاً کشورهایمان صحرا و بیابان دارد، اگرچه دریا هم داریم، اما زیر سایه سار درختان بودن بخصوص به شکل جنگل از ویژگی‌های قاره سبزاست. مخلص کلام اینکه ما زاده سرزمین خشکیم و پرورده دشت و مجنون صحرا و با اینچنین حالی ماهیان بحر پاک کبریا!

### هنر

ادبیات و نقاشی به عنوان دو منبع غنی فرهنگی تاریخی ما گواه این مدعاست که به آن خواهیم پرداخت. اگرچه نسبت هنر با زندگی ما تفریح است، اما تفریحی که مثل بازی‌های رایانه‌ای امروز رفته رفته عمق ارتباط با زندگی را رقم زده و نمایش می‌دهد. به یک اعتبار بشر با هنر، همیشه در گریزاست و هنرمند در گریزگاه‌ها مستقراست؛ بنابراین تصویر هنر ما از جهانمان اگرچه لعاب ماورایی و خیالی دارد، اما همین خیال سازنده سرنوشت ما بوده و مفاهیم و سیر زندگی مان را باید در آن جست‌وجو کرد.

### جنگل

تصویر کلبه‌ای دور افتاده و تنها در دل جنگل را در نظر آوریم که کنار آن درختی و جلو آن رودی و دست کم جوی آبی و نمای قایقی دارد. این قاب آشنای رؤیاهای بشر بوده و هست. این را می‌توان در نقاشی هر پدری برای فرزندش دید. خانه (کلبه)ای کنار رود و پل و درخت مثل خانه پسر شجاع!

باوجود رشد و توسعه سرسام‌آور خیال تکنولوژیک همچنان همین تصویر ساده کارتونی تصور ما از بهشت را رقم می‌زند. بهشتی که تصویر معمول جهان و جغرافیای غرب است و اساساً کارکرد هنر نیز همین است که جهان ذهنی ما را بسازد ولو با جهان عینی دیگران. غازی بیافریند از مرغ همسایه.

بهشت گمشده امنیت و آسایش و آرامش و بی خیالی و زحمت و کار، نه کویر لوت است نه کوه زاگرس و البرز نه دریای نیلگون همیشه فارس! مکانی است نمونه همین تفریحگاه‌ها و عشرتکده‌هایی که پیش از این صرفاً محدود به اغنیا و اشراف بود، اما امروزه در این حد همگانی شده که بتوان در همنشینی با ناصرالدین شاه چسبیده به قلیان و فنجان بتوان اطعمه و اشربه‌ای تناول کرد و برخاست.

### دوم

تصویر دوم را در متنی دیگر جست‌وجو کنیم.

ادبیات ایران که مظهر تفکر و زیباشناسی ایرانی است کمتر نشانه‌ای از درخت به معنای جنگل تو در تو دارد؛ بلکه حاوی کلیتی به نام باغ است؛ فضایی در برگیرنده مفهوم کاشتن و رشد دادن و محصول.

درختان بسیار و آب روان
همی شد دل سالخورده جوان
بیاراست شهری بسان بهشت
به‌هامون گل و سنبل و لاله کشت **(فردوسی)**

شاعر حتی وقتی از جنگل یاد می‌کند محو جهان آن نمی‌شود به همین بسنده می‌کند که؛ مازندران شهر ما یاد بادا! یا در شعر عاشقانه می‌گوید:

باغ تفرج است و بس میوه نمی‌دهد به کس
جز به نظر نمی‌رسد سیب درخت قامتش **(سعدی)**

شاعر معشوق عشق را تفریحی می‌داند که حاصل مادی برای زندگی ندارد. با اینکه قصیده‌هایی در وصف گل و درخت و بهار کم نیستند، اما توصیف طبیعتند و به کارگیری عناصر طبیعت است نه جنگل فراغت:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار **(ناصر خسرو)**

درخت عنصر مضمون پردازی بوده تا موضوع سخن:

ریشه نخلِ کهنسال از جوان افزون‌تر است
بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را **(صائب)**

و بهانه تعلیم و توصیه اخلاقی:

درخت اگر متحرّک شدی زجای به جای
نه جورِ اره کشیدی و نی‌جفایِ تبر **(انوری)**

محو شدن در مه جنگل و زندگی وارستگان در قلب درختان و رو به دریا رفتن از برکات دنیای جدیداست و از نشانه‌های بارز شعر و هنر نو جنگل! علاوه بر اینکه تخم درخت را در شعر نو نیمای مازندرانی کاشته شاعری روستایی که محصولاتش را به تهران آورد. حوادث و وقایعی نیز از جمله ماجرای سیاهکل با شعر معاصر پیوند خورده که سبب شد تا شاعران شمال را کشف و خنثی کنند:

بشر دوباره به جنگل پناه خواهد برد **(مشیری)**

**و:** درخت با جنگل سخن می‌گوید / علف با صحرا/ ستاره با کهکشان/ و من با تو سخن می‌گویم **(شاملو)**

یا سیاوش کسرایی که می‌گوید: تو قامت بلند تمنایی از درخت و...

در اینجا درخت و درختان موضوع شعراست نه عنصر شعر ساز!

**ه:** به صورت تطبیقی می‌توان متون نگارگری را نیز جست‌وجو کرد.

در نقاشی ایرانی هم، جنگل عنصر غریبه‌ای است وجود سبزه زار و بی‌زمانی ایستای آن و آراستگی و نزاکتی فضا و عناصر و مردمان در واقع تصویر بهشت است. نقاشی ایرانی نقاشی خانه-باغ است که حوض و جوی آب و درخت و سبزه وگل دارد، اما محصور چهار دیواری، نه دور افتاده در وهم جنگل. در مقایسه می‌توان آن را ویلا دانست نه کلبه! نقاشی‌های ایرانی گاه چنان کم درختند که حتی ساختمان‌های بزرگ نیز ولو در حد وجود گلدانی در ایوانی نشان سرسبزی ندارند. اگر روی زمین چمن است، اما فضای دوردست خشک است بدون سبزه و درختچه‌ای. احتمالاً چمن روی زمین هم نقش فرش ایرانی باشد.

اگر در آثار متأخرین مثلاً حوالی قاجار چند جا پوشش جنگلی و بافت تو در تو شلوغ سبزه زار می‌بینیم که بشود برداشت جنگل کرد، همین هم متأثر از هنر رمانتیک و رکوکو اروپاست؛ چرا که علاوه بر سبزه‌زار، گاه در تابلوها مثلاً مراسم رقص مختلطی مشاهده می‌شود به قول خودشان جمع مطربان و شاهدان که این در عرف هنری ما غریبه است و تازگی دارد بر عکس در هنر رمانتیک این صحنه که مرد و زن درهم پایکوبی کنند، تصویری آشناست ادعای هیچ تأویل عرفانی هم ندارند. در نقاشی گذشته ما درخت و طبیعت به معنای جنگل مرکزیت ندارد، البته در موضوعاتی مثل شکارگاه طبعاً گل و بوته فراوان است؛ ولی باز موضوع نیست.

اما در نقاشی معاصر به واسطه تظاهرات گرایش و جنبش مقابله با ماشین و صنعت و گریز به دامان طبیعت و دفاع از طبیعت در حال نابودی و در مجموع رویکردی عینی به جهان، طبیعت حضور چشمگیری دارد با جلوه‌های مختلف که یکی از جلوه‌ها همین چشم اندازه آمیزه درخت و کلبه و آب و قایق! یا آب و آسیاب آبی.

### آخر

ظاهراً وجود آب ترکیب جغرافیایی را عوض می‌کند و آب سرچشمه حیات جدیدی می‌شود در ادبیات و هنر ما آب به معنی رودخانه حضور مؤثر و چشمگیری ندارد. احیاناً اگر رودی هست به معنای گذشتن از دریاست و اشاره به آن طرف آب و (اون ور آبی) دارد.

درخت نیز چندان شایع نیست و آن چند سرو و صنوبر و نسرین و نرگس هم که به چشم می‌خورد و گفته می‌شود معمولاً عنصر تشبیه و تشخیص است نه موضوع و شخصیت.

در هیچ یک از انواع ادبی و هنری عرفانی و غنایی و حماسی فضای سرسبز شبیه منطقه شمال وجود ندارد،رزم و بزم و شکار و شادی و عزا در دشت است و کوه و بته!

خانه نیز در مینیاتورها یک واحه است که در بافتی مثل یزد و خوزستان و بندرعباس و زاهدان و هرکجای ایران قابل بازسازی و اجراست، آبی مختصر و چند درخت و ساختمانی آراسته به کاشی و ایوان و پنجره، اما کلبه چوبی کنار رودخانه و قایق و غروب دل انگیز نه! این تصویری بیگانه و جدید است.

نقاشی و هنر ما نیز از آن دوره‌ای که تقلید از هنر فرنگ و ینگه دنیا شد همین الگو را پیاده کرد و چندان عاشق زیبایی‌های آن شدیم که از انواع پوسترهای منظره و نقاشی خانه‌ها و نهایتاً معماری خانه مان شد، همین؛ کلبه و آب! جهان باب راسی (Bob Ross) که در سرمشق‌هایش با یک ضربه قلم جادو می‌کند و در چشم به هم زدنی کلبه‌ای و آبشاری و کوه‌های پوشیده از درختی می‌سازد و ما کپی می‌کنیم و آموزش می‌بینیم.

منتها تصویر آن چقدر با جهان ایران تناسب دارد؟ ما و اقلیم ما چقدر مصداق این خیال است بافت کلی و ترکیب و خانه در کشور ما چگونه بوده است؟

یک نظر اجمالی به سرزمین و آثار هنری ما نشان می‌دهد که نمای کلی ما نمای گلی و خشتی است؛ چیزی که امروزه در ویرانه‌های شهرهای قدیمی باید جست یا در طراحی رستوران‌ها و دکور تفریحگاه‌ها و گرنه به کلی از حوزه تجربه زندگی مان حذف شده‌اند. ما نپذیرفته‌ایم نمای خانه و خانواده خود را. به دهانمان شیرین می‌آید خوردن شکلات خارجی و غذای خارجی و دهانمان آب می‌افتد با جویدن کلمات خارجی؛ مرسی! چشم‌ها مبهوت فیلم خارجی، هوش و گوش ما در جست‌وجوی منابع خبری و رسانه‌ها و شخصیت‌های بیگانه.

برای ما که استعاره خوردن در فرهنگمان جایگاه والایی دارد، شاید همین دمنوش‌های ایرانی و تأیید بر قورمه سبزی ذائقه مان را عوض کند. بی جهت نیست که ناصرالدین شاه قرن‌هاست بی‌خیال نشسته بر قوری و قلیان و لاله گلدان و تالار آینه تا کمال الملک پرتره همایونی را بکشد؛ شاهی که هم شاعراست هم نقاش هم اوست که پای سینما را به ایران باز کرد و هم او نخستین اتومبیل را آورد این هم بهشت ایرانی.

نرگس آبیار در پاسخ به پرسش‌های قدس از «شبی که ماه کامل شد» می‌گوید

# نمی‌خواستم فیلم‌ها لیوودی بسازم

عکس: بهرام صدیق زاده

**سیما و سینما/ زهره کهندل** | فیلم «شبی که ماه کامل شد» آخرین ساخته نرگس آبیار با نامزدی در ۱۳ رشته جشنواره فیلم فجر امسال توانست ۶ سیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین بازیگر نقش مکمل زن و بهترین چهره‌پردازی را به خود اختصاص دهد.

کارگردان این فیلم در جمع علاقه‌مندان به فیلمسازی در پردیس سینمایی هویزه حضور یافت و به پرسش‌ها پاسخ داد. آبیار به پرسش‌های خبرنگار قدس در خصوص آخرین فیلمش پاسخ داد و درباره موضوع فیلم گفت: می‌خواستم درباره افراط‌گری دینی فیلم بسازم چون رادیکالیزم دینی، موضوع امروز دنیاست. به کمپ مهاجران سوری در آلمان رفتم چون جنگ سوریه برایم مسئله بود. نمی‌خواستم که مستقیم سراغ داعش بروم به همین دلیل سراغ آوارگان سوری رفتم که ببینم چه قصه‌ای دارند. چند طرح جذاب هم نوشتم اما باید فیلم را به زبان عربی و با بازیگران خارجی می‌ساختم تا اینکه چنین موضوعی به من پیشنهاد شد. البته قبل از این پیشنهاد، ماجرای فائزه و عبدالحمید را دنبال می‌کردم اما در مقطعی این ماجرا را فراموش کرده بودم.

وی ادامه داد: بخش‌هایی از این فیلم را در پاکستان و بنگلادش فیلمبرداری کردیم در حالی که می‌توانستیم آن صحنه‌ها را در سیستان و بلوچستان بازسازی کنیم ولی می‌خواستم که فیلم باورپذیر و تأثیرگذار باشد. کار کردن در پاکستان اصلاً آسان نبود، از نظر امنیتی منطقه‌ای پرخطر بود به همین دلیل قسمتی از فیلم در بنگلادش فیلمبرداری شد.

آبیار با بیان اینکه فیلم «شبی که ماه کامل شد» فضای زیستی من نبود، خاطرنشان کرد: پیش از ساخت این فیلم به سیستان و بلوچستان نرفته بودم ولی این فیلم موجب شد که فضای زیستی آنجا را تجربه کنم. در آثارم سعی می‌کنم که فضا را بومی کنم، بومی نه به معنای فولکوریک بلکه بومی خودم یعنی آن فضا را از آنِ خودم کنم.

وی عنوان کرد: چندین بار به آن منطقه سفر کردم از نوک سیستان تا ته چابهار را گشتم. کتاب‌های مختلفی را درباره آن منطقه خواندم و پژوهش وسیعی روی موضوع داشتم. عقاید تفکیری‌ها را مطالعه کردم تا ببینم باورهای آن‌ها از کجا شروع شده که به اینجا ختم شده است، در نهایت فیلمنامه اثر را نوشتم.

آبیار با بیان اینکه لزوماً هر اتفاق واقعی، داستانی نیست گفت: همه اتفاقات مهم فیلم «شبی که ماه کامل شد» واقعی است ولی در جزئیات تغییر کرده است. برخی از اتفاقات واقعی، تصادفی هستند اما فیلمساز باید براساس منطق، فیلم بسازد. برای اینکه عاشق پیشگی عبدالحمید را منطقی نشان دهم او را آدمی احساساتی نشان دادم که شاعرپیشه است و ساز می‌زند. در واقع این‌ها را به روایت اضافه کردم تا باورپذیر شود.

### نمی‌خواستم تصویر زیادی از عبدالمالک نشان دهم

وی درباره فرم ساختاری فیلم «شبی که ماه کامل شد» توضیح داد: روش فیلمسازی من این گونه است که فرم و محتوا با هم می‌آید. فرم من در همه کارهایم با فیلم بعدی‌ام فرق می‌کند. اینکه گفته می‌شود فیلمسازی صاحب سبک است نمی‌فهمم یعنی چه؟ به نظرم با توجه به فواصلی که بین آثار یک فیلمساز می‌افتد، او آدم دیگری می‌شود و تجربیات دیگری را کسب می‌کند؛ بنابراین نمی‌تواند یک سبک و روش را ادامه دهد و بهتر است که فرم و محتوایش فرق کند. یک فیلمساز به عنوان هنرمند نباید خودش را تکرار کند.

وی توضیح داد: در فیلم آخرم نمایش عشق میان فائزه و عبدالحمید نیاز به مقدمه داشتم تا پس از آن اطلاعات را بتدریج در فیلم لو بدهم. می‌خواستم تصویر کمی از عبدالمالک ریگی نشان دهم به همین دلیل عبدالمالک وقتی وارد فیلم می‌شود که زمان زیادی از روایت گذشته است. بسیاری به من پیشنهاد کردند که سکانس آخر فیلم را اول بیاورم ولی گفتم این یک داستان عاشقانه است که شروع کوبنده‌ای هم دارد. ضمن اینکه معتقدم پایان کار باید بسیار تکان دهنده باشد زیرا آخرین تصویری است که از فیلم در ذهن مخاطب می‌ماند.

آبیار در پاسخ به این پرسش خبرنگار قدس که گفته می‌شود این فیلم اثری سفارشی بوده است، گفت: این فیلم اصلاً سفارشی نبوده است. شرط کرده بودم که هیچ جا این کار را به من سفارش ندهند و هزینه‌هایش از سوی نهادی دولتی تأمین نشود چون موضوع می‌بایست بدون واسطه حرفش را بزند تا اثرگذار باشد. این فیلم فضای زیستی من نبوده و با اینکه تجربه زیستی در فضای سیستان و بلوچستان را نداشتم اما سعی کردم که فضا را از آنِ خودم بکنم و این به معنای سفارشی بودن نیست.

### نمی‌خواستم بازی الناز شاکردوست از فیلم بیرون بزند

آبیار در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار ما درباره بازی گرفتن از بازیگرانی همچون الناز شاکردوست که تبدیل به بازیگر فیلم‌های گیشه شده بود یا هوتن شکیبا که به خاطر آثار تلویزیونی‌اش، کلیشه بازیگری در آثار طنز را در ذهن مخاطبان ایجاد کرده بود، گفت: بخش عمده بازی‌ها به توانایی خود بازیگران برمی گردد، البته صحبت‌هایی با بازیگران داشتم تا شخصیت را دقیق‌تر بشناسند و در محیط قرار بگیرند مثلاً خانم فرشته صدرعرفایی قبل از فیلمبرداری به سیستان و بلوچستان آمد تا در محیط قرار بگیرد. با مردم آن منطقه نشست و برخاست داشت و توانست ارتباط بسیار خوبی با آن‌ها برقرار کند و حتی در عروسی‌هایشان شرکت می‌کرد، این موارد به او کمک کرد تا به شخصیت فیلم نزدیک شود.

> **برش**
> این فیلم اصلاً سفارشی نبوده است. شرط کرده بودم که هیچ جا این کار را به من سفارش ندهند و هزینه‌هایش از سوی نهادی دولتی تأمین نشود چون موضوع می‌بایست بدون واسطه حرفش را بزند تا اثرگذار باشد

وی اضافه کرد: هر بازیگری قلق خودش را دارد بویژه وقتی بازیگر حرفه‌ای باشد. قلق بازیگران هم طی تمرین‌ها دست کارگردان می‌آید. من در فیلم‌هایم، هم بازیگر حرفه‌ای دارم هم بازیگر تئاتر و هم نابازیگر، اینکه جنس این بازی‌ها را یکی کنیم کار سختی بود.

وی درباره ایفای نقش بازیگر فائزه در این فیلم خاطرنشان کرد: همان اندازه که از خانم شاکردوست خواستم، بازی کرده بود به همین دلیل شاید خیلی بازی‌اش به چشم نمی‌آمد. به نظرم بازی‌ها نباید از فیلم بیرون بزند و اگزجره باشد مثلاً در سکانس آخر، او بهترین بازی‌اش را می‌کند چون آنجا این نوع بازی را می‌طلبد در حالی که هوتن شکیبا در نقش عبدالحمید لهجه بیشتر و گریم سنگین‌تری دارد. به نظرم همه چیز باید در خدمت فیلم باشد و بیرون نزند.

کارگردان فیلم «شیار ۱۴۳» تأکید کرد: دوست ندارم چیزی در فیلمم دیده شود حتی کارگردانی! به نظرم نه تدوین، نه گریم، نه صداگذاری، نه میزانسن و هیچ چیز نباید در فیلم دیده شود هرکدام از این‌ها در فیلم جلب توجه کند یعنی فیلمساز ضعف دارد، اگر بازی‌ها خیلی عجیب و غریب و اگزجره باشد، این ضعف فیلم است.

وی یادآور شد: مثلاً در این فیلم، دکوپاژی داشتم که می‌ترسیدم از فیلم بیرون بزند اما خوشبختانه بعد از دیدن فیلم، کسی درباره آن دکوپاژ صحبت نکرد و این خوشحالم کرد. حتی حرکت دوربین باید عین چشم باشد و کار فیلمبردار نباید خیلی دیده شود و از کار بیرون بزند.

### بسیاری از اتفاقات سر صحنه رخ می‌دهد

آبیار با تأکید بر اینکه اگر قرار باشد درباره شخصی یا موضوعی فیلم بسازم سعی می‌کنم که شناختم را از آن بیشتر کنم، گفت: برای ساخت فیلم «شبی که ماه کامل شد» تمام فرهنگ لغت آن منطقه را گرفتیم و واژه هایی که کار را ملموس‌تر می‌کرد، استخراج کردیم. کتاب‌های کمی درباره باورها و آداب و رسوم آن منطقه وجود داشت که همه آن‌ها را خواندیم چون این آداب و رسوم به روایت داستانی کمک می‌کرد. باورپذیر کردن فضای فیلم برای من بسیار اهمیت داشت.

این کارگردان با اشاره به تفاوت‌های فیلم مستند و داستانی خاطرنشان کرد: در مستند فضای کشف و شهودی وجود دارد که فیلمساز آن را ثبت کرده و پس از آن وجوه دراماتیکش را کشف می‌کند ولی در کار داستانی، فرصت زیادی برای طراحی ماجرا و دکوپاژ وجود دارد. اگرچه معتقدم که دکوپاژ هم وحی منزل نیست. معمولاً شب قبل از سکانس، دکوپاژ می‌زنم و سر صحنه می‌بینم که چه اتفاقی می‌افتد چون بسیاری از اتفاقات سر صحنه رخ می‌دهد. دکوپاژ در فیلم‌های من تا زمان فیلمبرداری تغییرمی کند.

وی درباره نزدیک شدن فیلم‌های داستانی‌اش به فضای مستند توضیح داد: این نزدیکی موجب می‌شود که داستان باورپذیر شود مثلاً سکانس فاجعه باری در فیلم «شبی که ماه کامل شد» داریم که زمان صداگذاری آن صحنه، خیلی به موسیقی تکیه نکردم چون معتقد بودم که صداها و سکوت‌های آن سکانس آن قدر اثرگذار و تکان دهنده است که بهتر است موسیقی تا حد امکان حذف شود. در برخی از سکانس‌ها موسیقی در کار نشسته بود ولی در برخی جاها تعمداً موسیقی را حذف کردم چون از اثربخشی آن صحنه کم می‌کرد و فضای فیلم هالیوودی می‌شد. سعی می‌کنم در آثارم به فضای مستند نزدیک شوم تا فیلم باورپذیر و اثرگذار شود.

### فیلمنامه برای من وحی منزل نیست

کارگردان فیلم «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیکترند» گفت: من در کار دیکتاتورم و معتقدم اگر قسمتی از فیلمنامه و فیلم بر اساس نظر من پیش نرود، آجر کجی گذاشته شده که بنای فیلم تا پایان، با همان آجر کج بالا می‌رود. خیلی مواقع برای فیلمنامه‌ام چانه زدم و بسیاری را قانع کردم که اگر همه عوامل دست به دست هم بدهند از این فیلمنامه، فیلم خوب در می‌آید.

وی ادامه داد: معمولاً فیلمنامه‌ام را برای بازخوانی به کسانی می‌دهم که نگاهشان با من همسو است تا کمک بیشتری به من شود، ضمن اینکه فیلمنامه هایم تا لحظه فیلمبرداری تغییر می‌کند. فیلمنامه برای من وحی منزل نیست که به آن دست نزنم. کشف و شهودی در دل کار وجود دارد که گاهی در حین کار به آن می‌رسم. کسانی که فیلمنامه‌های مرا می‌خوانند، بعد از دیدن فیلم می‌گویند که چرا این قدر فرق کرده است! فیلمسازی برای من ریسک است، جلو می‌روم تا ببینم چه می‌شود البته با این شرط که از موضوع دور نشوم. آبیار با بیان اینکه در فیلمسازی خودش را از نظر دیگران محروم نمی‌کند، گفت: گاهی ممکن است این نظرات مرا گیج کند در این شرایط ترجیح می‌دهم دایره نظرات را ببندم چون موجب می‌شود که از مسیر اصلی فیلم منحرف شوم ولی معمولاً این نظرات در مرحله فیلمنامه خیلی به من کمک می‌کند.

این کارگردان تأکید کرد: باورپذیری و تأثیرگذاری فیلم برای من بسیار اهمیت دارد و سعی می‌کنم که در آثارم به این دو ویژگی پایبند باشم.

### آب حوض کشیدم تا به اینجا رسیدم!

آبیار با اشاره به پیشینه نویسندگی‌اش گفت: آنچه به من در فیلمسازی داستانی کمک کرد، ادبیات و مستند سازی بود. زمانی من ویراستاری می‌کردم و غر می‌زدم که چرا باید متن یکی دیگر را درست کنم و او جایزه‌اش را بگیرد ولی وقتی نخستین رمانم را نوشتم، خیلی روان نوشته شد چون آب حوض کشیدن در ویراستاری به من کمک کرده بود. وقتی وارد حوزه مستند سازی شدم به این فکر کردم چرا من که رمان نویس هستم، باید مستند بسازم ولی وقتی نخستین فیلم داستانی‌ام را ساختم دیدم که چقدر تجربیات مستند سازی به من کمک کرد. مستند برای من کشف و شهودی داشت که کمک کرد راحت‌تر و با سرعت عمل بیشتری بتوانم روایت را در کار پیدا کنم. این کارگردان ادامه داد: در حال حاضر موضوعاتی همچون مسائل قضایی، قصاص و دیه برای فیلمسازی باب شده است که بعد از مدتی کلیشه می‌شود، اینکه چگونه وارد این موضوعات شویم موجب می‌شود که کلیشه‌ها را زیر پا بگذاریم و این به هوشمندی فیلمساز برمی گردد.

برنده سیمرغ بهترین کارگردانی در جشنواره فیلم فجر یادآور شد: هر موضوع کلیشه‌ای را می‌توان جذاب کرد. سوژه نویی وجود ندارد مهم این است که از چه زاویه‌ای به آن موضوع نگاه کنیم و آن موضوع را یگانه وجود خودمان کنیم. زمانی که می‌خواستم فیلم «شیار ۱۴۳» را بسازم به من گفتند که تو فیلم اشیا را ساختی، فیلم جنگی نساز! آن زمان آن‌قدر فیلم‌های شعاری با موضوع دفاع مقدس ساخته شده بود که این فیلم‌ها از چشم مردم افتاده بود. پیش از ساخت فیلم «شیار ۱۴۳» به من گفتند که با سر زمین می‌خوری و با وجود اینکه می‌دانستم موضوع فیلم جدید نیست اما سعی کردم نگاهی نو به این موضوع کلیشه‌ای داشته باشم.

---

گزارش

عرضه نسخه خانگی «هزارپا» حاشیه‌ساز شد

# مسئولیت با کیست؟!

**سیما و سینما:** فیلم سینمایی «هزارپا» اثر جنجالی ابوالحسن داوودی که در اکران عمومی عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال ۹۷ را از آن خود کرده است، در عرضه نسخه خانگی هم حاشیه‌ساز شد.

اواخر هفته گذشته نسخه شبکه نمایش خانگی «هزارپا» به کارگردانی ابوالحسن داوودی وارد بازار شد، این در حالی است که مخاطبان زمانی که نسخه نمایش خانگی این فیلم را تهیه کردند، متوجه شدند که این نسخه تنها شامل بخشی از این اثر سینمایی است و قرار است قسمت دوم آن به فاصله یک هفته بعد منتشر شود!

این اتفاق در حالی رخ داد که پیش‌تر بحث طولانی بودن نسخه خانگی این فیلم سینمایی به نسبت نسخه به نمایش در آمده در سینماها از سوی عوامل مطرح شده بود و انتظار می‌رفت این فیلم سینمایی در قالب دو دی وی دی اما در یک بسته و با اندکی افزایش قیمت روانه بازار شود. حال اما بنا به تصمیم ناگهانی دو دی وی دی در دو بسته و به فاصله زمانی یک هفته‌ای به فروش می‌رسد، آن هم در حالی که اطلاع رسانی دقیقی در این زمینه صورت نگرفته و مخاطبان با نیت خرید نسخه کامل، هزینه ۱۰ هزار تومان بابت این فیلم سینمایی پرداخت کرده اما با اثری ناتمام مواجه شده‌اند!

### رژه «هزار پا» روی مشکلات اقتصادی مردم

همین مسئله حواشی بسیاری را در فضای مجازی به همراه داشت، به گونه‌ای که بسیاری از مخاطبان نسبت به عرضه این چنینی یک اثر سینمایی در شبکه نمایش خانگی اعتراض کردند و آن را به گونه‌ای کلاهبرداری از سوی شرکت پخش کننده دانستند. جوان آنلاین در واکنشی به این اتفاق نوشت: فیلم هزارپا یکی از پرمخاطب‌ترین آثار سینمایی اکران شده در سال ۹۷ بود فیلمی که طبعاً با تبلیغات و فروش بالا و البته حضور بازیگران شناخته شده به فروش ۳۰ میلیاردی دست یافت و بسیاری نیز منتظر انتشار نسخه دی وی دی آن بودند و درنهایت نیز نیمه اسفند ماه در شبکه نمایش خانگی منتشر شد، اما نکته قابل تأمل عنوان قسمت‌بندی و مینی سریال بودن در پخش نمایش خانگی آن است که روی جلد دی وی دی نیز با صراحت ذکرشده است.اتفاق نادری که نمونه‌ای از آن به چشم نخورده و صدالبته تعجب بسیاری از مخاطبان همیشگی این بخش از سینما را نیز برانگیخت. فیلمی که در سینما با قیمت بلیت حدود ۱۵ هزار تومان و البته نیم بها بودن برخی روزها بسیاری از مردم را به سینماها کشاند و حال در انتشار نسخه خانگی تبدیل به مینی سریال با هر قسمت ۱۰ هزار تومان عرضه شده است. بدعتی که متأسفانه می‌توان آن را به نوعی سودجویی برای کسب درآمد حتی از فروش و انتشار در شبکه نمایش خانگی عنوان کرد. اینکه چرا عوامل و دست‌اندرکاران فیلم دست به چنین اقدامی زدند کاملاً گویا و مشخص است، اما تعجبِ تأسف‌آور زمانی است که وزارت ارشاد نیز تن به صدور چنین مجوزی داده است.

البته شاید مدیران مربوطه با توجیه زمان بالا اقدام به صدور چنین مجوزی کرده باشند، اما آیا بهتر نبود تاوان تایم بالای فیلم را به‌جای آنکه مردم از جیب آن‌هم در شرایط سخت اقتصادی پرداخت کنند تولید کنندگان این فیلم سینمایی می‌پرداختند؟ همان طور که فیلم سینمایی محمد رسول‌الله با زمان بالا تنها در یک نسخه ارائه شد.

### ابوالحسن داوودی عذرخواهی کرد

این حواشی به جایی رسید که شنبه ۱۸ اسفند ماه، ابوالحسن داوودی در ویدئویی درباره چگونگی انتشار این فیلم توضیح داد و از مخاطبان عذرخواهی کرد.

این کارگردان در توضیح این اتفاق گفت: این فیلم نه یک سریال و نه یک مینی سریال، بلکه یک فیلم سه ساعت و نیم و در واقع نسخه کامل فیلم سینمایی «هزارپا» است. متأسفانه در نمایش‌های سینمایی به دلیل محدودیت‌هایی که وجود داشت، مجبور شدیم بیش از یک ساعت و نیم از این فیلم را حذف کنیم و مخاطبان نسخه دو ساعته این فیلم را در اکران عمومی تماشا کرده‌اند. در حالی که نسخه‌ای که در شبکه نمایش خانگی ارائه شده، نسخه کامل این فیلم سینمایی است.

داوودی افزود: دلیل آنکه نسخه کامل «هزارپا» در دو دی وی دی ارائه شده این بود که اگر می‌خواستیم این اثر سینمایی را با کیفیت خوب تصویر به همراه پشت صحنه ارائه دهیم، در یک دی وی دی جای نمی‌گرفت. البته بهتر این بود که نسخه کامل در یک بسته شامل دو دی وی دی و به صورت همزمان عرضه می‌شد، اما مقررات اداره نمایش خانگی یک فیلم سه ساعته را برای عرضه خانگی به رسمیت نمی‌شناسد و مجوز مینی سریال برای آن صادر می‌کند.

کارگردان فیلم سینمایی «هزارپا» در پایان تأکید کرد: به عنوان کارگردان این اثر سینمایی، از جانب همه عوامل این پروژه از همه بینندگان عزیز پوزش می‌خواهم.

### عرضه دو قسمتی «هزارپا» ارتباطی با سازمان سینمایی ندارد

پس از اعتراض گسترده مخاطبان نسبت به کیفیت عرضه فیلم سینمایی «هزارپا»، ابوالحسن داوودی با انتشار ویدئویی ضمن عذرخواهی از مخاطبان به صورت ضمنی از اداره کل نمایش خانگی سازمان سینمایی انتقاد کرد.

در واکنش به اظهارات داوودی، روابط عمومی سازمان سینمایی اعلام کرد این سازمان نقشی در عرضه فیلم «هزارپا» طی دو قسمت در شبکه نمایش خانگی نداشته است.

---

خبر

## متهم رأی‌گیری «جام جم» مشخص شده است

**سیما و سینما:** مرتضی میرباقری، معاون سیمای سازمان صداوسیما در نشست رسانه‌ای تشریح ویژه برنامه‌های نوروزی شبکه‌های مختلف تلویزیون، از شناسایی متهم اخلال در آرای «جام جم» خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، میرباقری در پاسخ به حاشیه‌های جشنواره جام جم بیان کرد: ما در سال ۹۷ چهار عنوان دیگر به بخش‌های جشنواره جام‌جم اضافه کردیم؛ بخش برنامه‌های ترکیبی برنامه‌های چهلمین سال پیروزی انقلاب، دوبلاژ و فضای مجازی. در کنار این‌ها یک نظرسنجی به طور کلی در طول سال میزان بیننده و رضایت از برنامه‌ها را بررسی می‌کرد، اما این نظرسنجی کفایت نمی‌کرد و برنامه‌ها و سریال‌ها ابعاد دیگری هم دارند که مردم نسبت به آن‌ها هم اقبال نشان می‌دهند. امتیازدهی این بخش با نظرسنجی‌های عمومی تفاوت می‌کند. شأن نزول بخش مردمی جشنواره جام جم به عنوان یک بخش مکمل همین بود.

وی افزود: دولت مسئولیت ایجاد زیرساخت‌ها را دارد. ما مثل سنوات قبل با یکی از این شرکت‌ها وارد قرارداد شدیم. جمع‌آوری آرا اگر پیامکی بود، پیامک سریعاً بازخورد داشت و برای مردم پیامک می‌آمد که رأی داده‌اند. نکته دیگر این بود که همه می‌توانستند ببینند رأیی که می‌دهند چه تغییری در آرا به وجود می‌آورد. این سبکی بود که ما طراحی کردیم اما همه در روز جمعه متوجه شدند اختلالی در آرا به وجود آمده است و خود ما آن را اعلام کردیم و از طریق فتا پرونده تشکیل دادیم.

معاون سیما ادامه داد: دراین موضوع چند فرضیه وجود داشت. یک فرضیه این بود که اختلال صورت گرفته و دیگری این بود که به صورت واقعی آرا جا به جا شده است؛ برهمین اساس رأی گیری متوقف شد.

میرباقری با تأکید بر وجود «قانون تجارت» در کشور گفت: دولت در اجرای این قانون ناظر است و اگر تخلفی صورت بگیرد براساس همین قانون باید آن را پیگیری کرد. پیش از این هم بانک مرکزی در این باره با وزارت ارتباطات این مطلب را مطرح کرده بود که «یو اس‌دی»ها مشکل دارند. بین آقایان جهرمی، وزیر ارتباطات و ولی‌الله سیف، رئیس وقت بانک مرکزی بحث‌هایی در این باره طی سال گذشته درگرفته بود و جهرمی عنوان کرده بود آن‌ها کارشان را انجام دهند و صیانت می‌شوند.

وی افزود: ما نمی‌دانیم این تخلف در سطح وزارت ارتباطات بوده است یا خیر. یک متهم مشخص شده است که چون اتهام وی ثابت نشده، نمی‌توانیم اعلام کنیم.

## میهمان «خندوانه» باز هم جنجال آفرید!

**سیما و سینما:** دعوت از همسر دندانپزشک شیلا خداداد، بازیگر سینما به برنامه پرمخاطب «خندوانه» موجب اعتراض مخاطبان و برخی منتقدان شد.

براساس گزارش خبرگزاری‌ها دعوت از همسر دندانپزشک شیلا خداداد در حالی به موازات کاندیداتوری این شخص برای انجمن دندانپزشکان ایران رخ داد که با توجه به تکرار دعوت از چهره‌های فاقد ویژگی خاص به برنامه رامبد جوان و نظایر این برنامه، ظاهراً قدرت این سلبریتی‌ها به حدی رسیده که می‌توانند تصمیم بگیرند هر شخصی را بدون آنکه نیازی به سابقه خاصی داشته باشند، روی آنتن ببرند و تبلیغ کنند؛ اتفاقی که مدیران صداوسیما نیز ظاهراً با آن مشکلی ندارند.

به گزارش تابناک، «طلق عبارت است از مالی که مالکش می‌تواند در آن هر نوع تصرفی بکند؛ اعم از فروختن، اجاره دادن، بخشیدن و...»؛ این تعریف حقوقی برای چنین واژه‌ای است و از قضا وضعیت امروز تلویزیون به سمت و سویی رفته که بی‌شباهت به ملک طلق برخی سلبریتی‌ها نیست؛ سلبریتی‌هایی متکی به ستاره ـ مربع‌ها که با خود پول به تلویزیون می‌آورند و این آورده‌های قابل توجه، دست آن‌ها را از هر مجری قدیمی و معتمد سازمان صداوسیما بازتر کرده و آن‌ها تقریباً هر کاری دوست دارند انجام می‌دهند.

ماجرای دکتر مسعود صابری که پس از پلی بک خواندن در تلویزیون با عذرخواهی رامبد جوان همراه شده بود، موجب نشد تا این مجری در انتخاب میهمانان برنامه خندوانه وسواس بیشتری به خرج دهد و ظاهراً دست او برای دعوت از هر شخصی ولو آنکه سابقه خاصی نیز نداشته باشد، باز گذاشته شده است. این مطلق العنانی منتهی به دعوت از فرزین سرکارات، همسر شیلا خداداد به برنامه «خندوانه» شده است؛ میهمانی که هیچ ویژگی به جز نسبت فامیلی با این بازیگر زن سینمای ایران نداشته است. از قضا کاملاً اتفاقی فرزین سرکارات کاندیدای انجمن دندانپزشکی ایران است و لابد رامبد جوان بدون اطلاع از این موضوع دست به تبلیغ برای او زده، کما اینکه احتمالاً بدون اطلاع از کنسرت صابری برای او در برنامه‌اش رپرتاژ آگهی رفت.

## مستغاثی: اسکار به دنبال مطرح کردن سینمای آمریکا و فرهنگ و ایدئولوژی آن است

**سیما و سینما:** برنامه تلویزیونی نقد سینما جمعه گذشته در نخستین قسمت هفتگی خود به بررسی پرونده اسکار ۹۱ پرداخت.

سعید مستغاثی؛ پژوهشگر و منتقد سینما در این برنامه تلویزیونی با اشاره به ضرورت شناخت اسکار گفت: اسکار را باید با ویژگی‌های خودش شناخت. این جشن با یک بیانیه که دنبال مطرح کردن سینمای آمریکا و فرهنگ و ایدئولوژی آن است، آغاز می‌شود پس چرا ما این بیانیه را نادیده می‌گیریم؟ مانیفستی که می‌گوید اسکار، صنعت و فرهنگ آمریکا را تقویت می‌کند و هنر در درجه اول اهمیت قرار نمی‌گیرد. هر سال کنار این اهداف یک تم غالب هم دارند.

وی ضمن تصریح افول سینما گفت: چه چیزی رأی‌ها و گرایش‌های موجود را در ذهن اعضای آکادمی و مخاطبان می‌سازد؟ رسانه‌ها؛ این نظام رسانه‌ای ذهن مخاطبان را برای انتخاب فیلم مورد نظر آکادمی هدایت می‌کند. در سال‌های اخیر هم هیچ اتفاق جدیدی نیفتاده و اسکار مثل همیشه بر اساس اصول خودش کار می‌کند. افولی که دیده می‌شود، افول سینماست و نه افول اسکار.

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه

۱۶ یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷
۳ رجب ۱۴۴۰ | ۱۰ مارس ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۲۳

## کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

### دانشگاه کودکان

بازی، دانشگاه بچه‌هاست، بخصوص در هفت سال اول که کودک نباید آموزش مستقیم ببیند، مهم‌ترین توانایی‌های خود را در شناخت دنیا به دست می‌آورد. والدین بر مبنای علاقه‌ای که به کودکشان دارند به طور طبیعی با بچه بازی می‌کنند و بچه در همین بازی‌ها رشد می‌کند. نوعی از بازی‌های طبیعی گذشته، امروز تقریباً از بین رفته‌اند. خاک بازی آزادانه و آب بازی و گل بازی و حرکت و جست‌وجو در طبیعت دیگر جز در سفرها و موقعیت‌های خاص برای بچه‌های امروز ممکن نیست. ما به عنوان روستازادگان پنج دهه پیش، در حیاط‌هایی با حدود چند ۱۰۰۰ متر فضای امن و در محیطی پر از درخت و گل و گیاه زندگی می‌کردیم. گوسفند، بز، گاو، گوساله، الاغ، مرغ و گربه هم در محوطه‌ای نزدیک در دسترس ما بودند و می‌توانستیم بسادگی با دنیای حیوانات هم آشنا شویم. اما شهرهای مدرن با توسعه نسنجیده امکان این نوع زندگی را از بین برده‌اند. در سال‌های اخیر حرکت‌هایی برای ایجاد این نوع فضاها آغاز شده است که هنوز بسیار کمتر از آنچه باید باشند هستند، اما به خاطر آغاز یک جریان مهم هستند. اینکه در صحن‌های مطهر حرم رضوی فضاهایی برای بازی بچه‌ها ایجاد شده است اتفاق بسیار مبارکی است. ایجاد شهربازی معارفی یکی دیگر از این نمونه هاست. در گلزار شهدا گاهی می‌بینیم که فضایی برای بازی بچه‌ها ایجاد شده است. در حاشیه اکران فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» در حوزه هنری مربیان مهد کودک حضور داشتند تا بچه‌ها بتوانند بازی کنند. در بسیاری از هیئت‌های مذهبی هم این اتفاق مبارک افتاده است که اتاق بازی و اتاق سفال ایجاد شده است و یا عمو و خاله قصه گو حضور پیدا می‌کند. بازی را باید بسیار جدی در همه طراحی‌های اجتماعی در نظر بگیریم. در گذشته با توجه به زیاد بودن جمعیت بچه‌ها و فضای امن و آزاد خیلی نیازی به مشارکت بزرگ‌ترها احساس نمی‌شد، ولی امروز این یک نیاز واقعی خانواده است. بازی در محیط محدود آپارتمان هم ممکن است ولی نیاز به خلاقیت دارد. برای این کار کتاب‌هایی هستند که به شما ایده می‌دهند. این نیاز را جدی بگیرید و برای بازی کردن با بچه‌ها کتاب بخوانید. شاید ۵۰ سال پیش چنین نیازی خیلی معنی نداشت، ولی امروز این یک نیاز جدی خانواده‌هاست. یکی از این کتاب‌های خوب کتابی است به نام «با من بازی کنید» که به همت انسیه برومندپور و هدی کاویانی نوشته شده است. این بازی‌ها با هدف پرورش خلاقیت والدین در بازی و ارتباط با کودکان طراحی شده‌اند. این کتاب را نشر قرآن و اهل بیت نبوت منتشر کرده است. بازی‌های این کتاب برای پرورش توانایی‌های حسی، حرکتی، گفتاری و گرایشی بچه‌ها طراحی شده‌اند. این کتاب خوب را پیدا کنید و بخوانید.

## نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

### خروج از اروپای اصلی

هفته‌نامه‌نیوساینتیست‌جدیدترین یافته‌ها در خصوص جدا شدن جزیره بریتانیا از هسته اصلی جغرافیایی اروپا را منتشر کرده است. این نشریه با عنوان «برِگزیت اصلی» که کنایه‌ای به تلاش سیاسی اخیر بریتانیا در خروج از اتحادیه اروپا نیز داشته، در مطلبی که تأکید می‌کند غیرسیاسی و کاملاً علمی است، می‌گوید ۱۰ هزار سال قبل این جزیره از لحاظ زمین‌شناسی به اروپا چسبیده بود، اما از آن زمان این جدا شدن آغاز شده و ایجاد کانال مانش را موجب شده است. این نشریه همچنین در مقاله‌ای از ورود فناوری اینترنت 5G گفته، اما این پرسش را مطرح می‌کند که آیا واقعاً به آن نیاز داریم؟

### انقلاب سیاسی شیکاگو

ماهنامه «این دیز تایمز» به شروع تغییر و تحولات گسترده سیاسی به خاطر جنبش‌های مختلف اجتماعی در شهرهای بزرگ آمریکا پرداخته است. این نشریه تمرکز خود را بیشتر روی شهر شیکاگو سومین شهر بزرگ ایالات متحده قرار داده و با تیتر «انقلاب سیاسی شیکاگو» می‌گوید جنبش‌های اخیر اجتماعی در این شهر موجب کنار رفتن شهردار شده و حالا این جنبش‌ها خود به دنبال تصاحب مراکز دیگر قدرت هستند. «این دیز تایمز» همچنین در مقاله‌ای، استفاده مطلق از هنر برای جنبه‌های تبلیغاتی و ضربه‌هایی که به هنر می‌زند را زیر ذره‌بین برده است.

### راه‌های بازگشت از شکست

هفته‌نامه اشپیگل پرونده‌ای برای سبک زندگی بهتر را به عنوان مطلب اصلی خود اختصاص داده است. تمرکز اصلی این پرونده برای قوی‌تر شدن انسان بخصوص بعد از شکست در یکی از جنبه‌های زندگی قرار دارد. تیتر «چه چیزی ما را قوی می‌کند» راه‌های دوباره سر پا شدن انسان بعد از شکست یا استرس شدید زندگی و چیزهای سختی که سرنوشت در مسیر ما قرار می‌دهد را آموزش داده است. این مجله همچنین در مقاله‌ای با عنوان «بُت‌ای که به هیولا تبدیل شد» نگاهی دوباره به اتهام‌های کودک آزاری مایکل جکسون خواننده اسطوره‌ای دارد.

گزارش از شخص

# به نام «زنان» به کام «سیاست»

## آیا «فائزه هاشمی» فقط به دنبال حق و حقوق از دست رفته زنان است؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده

«مخالف» و «منتقد» بودن با همه محاسن و کاربردهای قانونی و منطقی‌اش گاهی هم ممکن است به فیگور و ژستی تبدیل شود که فقط خدا می‌داند هدف ژست گیرنده از آن چیست! این پدیده گاهی هم برای مدتی، مُد سیاسی و اجتماعی روز می‌شود و می‌تواند کلی لایک و دمت گرم برای شما به ارمغان بیاورد. طوری که مثلاً فلان ورزشکار یا هنرمندی که سال‌های سال در همین آب و خاک و در حیطه همین نظام سیاسی و اجتماعی رشد کرده، قهرمان شده، فیلم ساخته و به شهرت رسیده است یکباره به منتقدی تند و تیز و حتی هنجارشکن تبدیل می‌شود تا نام و انتقادش برای چند روز سرخط اخبار شبکه‌های آن ورِ آبی باشد. حکایت «فائزه هاشمی» البته با این مورد کمی متفاوت است. از دیدگاه او، اعتراض، انتقاد، نیش و کنایه زدن‌های سیاسی و حتی فعالیت علیه نظام، در هیچ حالت و شرایطی از بین نمی‌رود، بلکه از شکلی به شکل دیگر در می‌آید!

### مثل داعشی ها

همیشه برای تاختن به جریان، حاکم و یا شخصیتی که شما مخالفش هستید و حاکمیتش را تاب نمی‌آورید بهانه‌های زیادی پیدا می‌شود. تازه‌ترین این بهانه‌ها را «فائزه هاشمی» روز گذشته در گفت‌وگو با «یورونیوز» می‌گیرد: «من فکر می‌کنم اگر زمان شاه ادامه پیدا می‌کرد تعداد زنان در مراکز تصمیم‌گیری بیشتر و قوی‌تر هم می‌شد. تعداد وزرای زن هم بیشتر می‌شد... اخیراً سه زن به عنوان سفیر انتخاب شده‌اند، اما زنان در خیلی از عرصه‌ها حذف شده‌اند و پسرفت شدید داشته‌ایم... یا قاضی زن که در زمان شاه داشتیم...اما بعد از انقلاب، قاضی زن نداریم. بنابراین نه تنها پیشرفتی حاصل نشده که اوضاع خیلی خراب‌تر شده است... یکی دیگر از معضلات مهم ما زنان، قوانین تبعیض‌آمیز است... حکومت مسائل زنان را بشدت سیاسی می‌کند... یک جور به نظر من به داعش تنه می‌زند و تفکرات داعشی است...». خلاصه اینکه اگر روزی خواستید به عنوان مخالف، به جان نظام بیفتید، آن را با رژیم گذشته مقایسه و بعد هم به تصور خودتان با خاک یکسان کنید کافی است به عنوان یک خانم مدافع حقوق زنان، چشمتان را به روی چند سال نمایندگی خودتان در مجلس، مسئولیت‌هایی که داشته‌اید، فعالیت‌های سیاسی مشکوک و غیر مشکوک خودتان و... ببندید، تعداد زنان قاضی امروز و دیروز و یا وزیران زن رژیم فعلی و سابق را با هم مقایسه کنید و تهش نتیجه بگیرید که رژیم امروز در برخورد با زنان، داعشی فکر و عمل می‌کند!

### دختر دوم

«فائزه هاشمی» دومین دختر مرحوم «هاشمی رفسنجانی» سال ۱۳۴۱ در «قم» به دنیا می‌آید و بر خلاف افکار و عقاید امروزی در دفاع از حقوق زنان در ۱۶ سالگی ازدواج می‌کند. همسر او دکتر «حمید لاهوتی» پسر بزرگ مرحوم آیت‌الله حسن لاهوتی است. او چند سال پیش درباره ازدواج و وضعیت زندگی خانوادگی‌اش گفته بود: «دانشجو که بودم متأهل بودم و فرزند هم داشتم... در ۱۶ سالگی ازدواج کردم... پیش آمد و ناراضی هم نیستم... شایعه‌ای در مورد طلاق من ایجاد شد، دروغ بود و هیچ پایه‌ای هم برای آن وجود نداشت. من هنوز هم مانده‌ام. این شایعه از کجا درآمده است. البته کسانی که این شایعه را پخش کردند با هدف بوده است... با همسرم و یک پسرم زندگی می‌کنیم... زندگی عادی و معمولی داریم... هم کار خانه می‌کنم و هم آشپزی را خودم انجام می‌دهم... تمام این سال‌ها مسئولیت خانه با من بوده و میهمان‌داری هم می‌کنم... میهمانی‌های بزرگ و کوچک می‌دهم و کارها و آشپزی‌های آن را خودم انجام می‌دهم خرید هم گاهی خودم و گاهی همسرم انجام می‌دهد. البته همسرم نیز در کارهای خانه زیاد کمک می‌کنند...».

### تنها دختر

در میان دختران خانواده هاشمی رفسنجانی او نخستین و فعلاً آخرین دختری است که وارد عرصه سیاست شده و هنوز هم در این عرصه، دست کم به عنوان فعال حقوق زنان، فعال است. در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی با رأی بالا نماینده مجلس می‌شود، اما در دوره ششم به سختی شکست می‌خورد و برای همیشه قید نماینده شدن را می‌زند و دیگر فعالیت‌های سیاسی‌اش نیز به صورت موقت، متوقف می‌شود. فائزه هاشمی از سال ۱۳۶۹ ریاست کمیته ورزش زنان را بر عهده می‌گیرد که بعدها به فدراسیون اسلامی ورزش بانوان تبدیل می‌شود. این فدراسیون تا سال ۱۳۸۹ فعال است، اما مرداد همین سال، بنا به همان نوشته معروف و تکراری بیشتر خبرگزاری‌ها و سایت‌ها: «به دلیل پاره‌ای از مشکلات» تعطیل می‌شود. پاره‌ای از مشکلات را هم می‌توانید کمبود و نبود بودجه مناسب تفسیر کنید و هم برخی فعالیت‌های سیاسی و غیر ورزشی رئیس این فدراسیون! کارشناسان ورزش بانوان البته دلیل این تعطیلی را منطبق نبودن روش برگزاری مسابقات با عرف و آیین اسلامی می‌دانند. یکی دو نفر از این کارشناسان در سال ۸۹ به خبرنگاران می‌گویند: «در آخرین دوره از مسابقات ورزشی بانوان کشورهای اسلامی که به میزبانی ایران برپا شده بود اتفاقاتی افتاد که خلاف عرف و شرع تشخیص داده شد و موجب بروز اختلافاتی بین سازمان تربیت‌بدنی با فدراسیون اسلامی ورزش بانوان شد...».

### روزنامه‌نگاری

«فائزه هاشمی» تجربه روزنامه‌نگاری هم دارد. او در سال ۱۳۷۷ خورشیدی نخستین روزنامه مربوط به زنان یعنی روزنامه «زن» را منتشر کرد و خودش هم مدیر مسئول آن بود. روزنامه «زن» به دلیل درج اخبار سیاسی، نقد حجاب اسلامی، حمایت از فمنیسم، چاپ کاریکاتوری پیرامون دیه زنان و انتشار پیام تبریک نوروزی فرح پهلوی یک بار در بهمن ۱۳۷۷ به مدت دو هفته و بار دوم در ۱۷ فروردین ۱۳۷۸ برای همیشه توقیف شد. خاطره توقیف «زن» برای فائزه هاشمی تلخ باقی ماند و او بعدها مدعی شد هیچ کدام از دلایل بالا، دلیل اصلی توقیف روزنامه‌اش نبوده است، چون مطالبی مانند پیام فرح پهلوی را یکی دو نشریه دیگر هم چاپ کرده بودند! البته او در ماجرا و جنجالی که برای ترویج دوچرخه سواری زنان و دختران ایجاد شد نیز مدعی بود که «.. شهرداری تهران یک سمینار برگزار کرد...از من هم دعوت کرد برای قسمت بانوانش سخنرانی کنم. من گفتم اگر قرار است که دوچرخه وسیله حمل‌ونقل باشد، پس باید هم زنان استفاده کنند هم مردان... پس زمینه اجتماعی‌اش را فراهم بکنید... آن موقع اصلاً حساسیت ایجاد نکرد... اما وقتی من کاندیدا شدم گفتند منظورش این بوده که دوچرخه سواری زنان اشکالی ندارد، باید بی حجاب شوید تا دوچرخه سواری کنید و...». او یک بار هم در سال ۱۳۸۸ در رابطه با کراهت استفاده از چادر مشکی صحبت کرد و از اینکه به حجاب برتر تبدیل شده ابراز تأسف کرد. این در حالی است که خود او چه پیش از آن و چه پس از این سخنان در بیشتر موارد با چادر مشکی در مکان‌های مختلف ظاهر شده است.

### ساندویچ خوری

سال ۱۳۸۸ یکباره به عنوان فعال و بلکه بیش فعال سیاسی و پرشور وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی می‌شود. حضور او در برخی راهپیمایی‌ها و سپس ناآرامی‌های مربوط به فتنه ۸۸ بشدت پر رنگ است طوری که منجر به دستگیری کوتاه‌مدت و سپس آزادی‌اش در اسفند ۱۳۸۹ می‌شود تا ماجرای ساندویچ خوری او، نقل محافل سیاسی و مطبوعاتی آن سال‌ها شود. او پیش از دستگیری مدعی شده بود، گرسنه بوده و دنبال جایی برای ساندویچ خوردن می‌گشته است. چند روز بعد هنگام شرکت در مراسم ترحیم یکی از آشنایانش از سوی برخی مخالفان تندرو به او فحاشی می‌شود و این فحاشی هم انعکاس گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای پیدا می‌کند به گونه‌ای که همه شخصیت‌های سیاسی و غیر سیاسی این فحاشی را محکوم کرده و بعدها فرد توهین کننده نیز دستگیر می‌شود. دردسرهای این فحاشی برای او ادامه پیدا می‌کند تا سال ۱۳۹۰ در گفت و گو با سایت «روز آنلاین» از عبارت: «مملکت به دست اراذل و اوباش افتاده است» استفاده کند! این مصاحبه زمینه اعلام شکایت از او شده، سال ۱۳۹۰ پس از مدت‌ها جار و جنجال خبری، محاکمه شده و یک سال هم طول می‌کشد تا به خاطر محکومیتش به زندان برود.

### از اول اشتباه بود!

فعالیت‌های سیاسی‌اش فقط به انجام مصاحبه‌های جنجالی محدود می‌شود و او هر بار با اظهار نظری عجیب و غریب زمینه داغ شدن خبرهای مربوط به خودش را فراهم می‌کند. پس از آزادی از زندان به شکل کنایه آمیز از آشنایی و زندگی در کنار منافقین و... ابراز خوشحالی می‌کند و با اصرار از آن‌ها با عنوان «مجاهدین» یاد می‌کند!

نقل قول‌هایی نیز از او اینجا و آنجا شنیده می‌شود که هرگز حاضر نیست برای آن‌ها از واژه «منافقین» استفاده کند. او هنوز مصاحبه‌ها و اقدام‌های دیگری را هم برای ابراز مخالفت با نظام در آستینش دارد. از رفتن چند باره به دیدار بهائیان و حمایت از آن‌ها بگیرید تا گفت و گوهایی که در آن‌ها قطع رابطه با آمریکا را از اول اشتباه می‌داند، حکومت اسلامی و دینی را نکوهش می‌کند، در حمایت از همجنسگرایان حرف می‌زند و... .

در میان این گفت و گوها و رفتارها بیشتر از همه دیدارش با بهائیان و برخی مخالفان نظام جنجال آفرین می‌شود در حالی که حتی نکوهش رفتار او توسط مرحوم پدرش سبب نمی‌شود «فائزه» تغییری در رفتار و گفتارش ایجاد کند. مدتی بعد هم دوباره مصاحبه می‌کند و شاید در پاسخ پدر، می‌گوید که: از رفتارم پشیمان نیستم!

اگر در فهرست کردن رفتارها و مصاحبه‌های ۱۰ سال اخیر و جنجال آفرینی هایش چیزی را از قلم انداخته‌ایم شاید دلیلش این است که از ابتدا تا انتهای این مطلب یکسره درگیر این پرسش بودیم که: آیا حکایت فائزه هاشمی و مصاحبه‌های گاه و بیگاهش، همان حکایت معروف «بیایید مرا بگیرید»است؟

## نه+طنز

### دیگ آبگوشت، مارکوپولو و باقی قضایا

م.ظرافتی

زمان کودکی ما مسافرت رفتن در عید اصول و قواعد خاص خودش را داشت. معمولاً شوهرخاله‌ها به همراه پدر از هفته‌ها پیش از حرکت، دور هم جمع می‌شدند تا مقصد را انتخاب کنند. گزینه‌های آن زمان خیلی متنوع بود. گزینه‌ها از سواحل آنکارا و پاتایا شروع می‌شد و پس از مرور کشورهای حاشیه خلیج فارس و جغرافیای پهناور ایران و تأیید شوهرخاله‌ها و پدر عزیز مبنی بر اینکه شیراز، اصفهان و فرهنگ غنی ایرانی را باید دید، مثل همیشه بابلسر به عنوان مقصد انتخاب می‌شد! در تمام خانواده‌ها روند مسافرت رفتن به همین صورت بود. طوری که نوار ساحلی خزر در ایام عید شبیه دیگ آبگوشت می‌شد و شما احتمال کشته شدنت زیر دست و پا بیشتر از احتمال غرق شدنت در دریا بود.

آن زمان اعتقادی به هتل و مسافرخانه در میان خانواده‌ها وجود نداشت. هرکس یک بقچه رختخواب می‌بست روی باربند ماشین و چادر مسافرتی و زیرانداز گل گلی را هم همراه با پیک نیک می‌گذاشت توی صندوق عقب. بعد می‌زدیم به دل جاده و تا زمانی که یکی از همسفری‌ها گلاب به رویتان دستشویی‌اش نگرفته بود، ادامه می‌دادیم. محل اسکانمان هم هر جایی بود که چمن داشته باشد. یعنی اولین مکان سبزی که دیده می‌شد، پدر چادر را برپا می‌کرد و ما در میان رفت و آمد گرازهای جنگل گلستان و عربده کشی اراذل و اوباش در پارک‌های محلی سعی می‌کردیم اوقات خوشی را در سفر سپری کنیم و در شرایطی که خود مارکوپولو هم زنده نمی‌ماند، زنده بمانیم!

اعتقاد راسخ پدرهای آن زمان بر این بود که غذای رستوران به مزاج ما نمی‌سازد. بار این اعتقاد هم روی دوش مادرها بود. در طول سفر مادرها یا داشتند شعله پیک نیک را طوری که برنج‌ها دم بکشد اما نسوزد تنظیم می‌کردند یا در حال شستن ظرف‌ها در توالت‌های عمومی پارک بودند. طوری که پس از بازگشت از سفر تفریحی بابلسر، مادرها یک ماه استراحت می‌کردند که خستگی آن همه تفریح از تنشان خارج شود!

سفرهای آن زمان هیچ وقت ته نداشت. یعنی اصلاً چیزی به نام مقصد برای مسافران تعریف نشده بود. ما خودمان تا جایی که جا داشت به سمت شمال پیشروی می‌کردیم. چندباری هم در نزدیکی مرزهای بین‌المللی مرزبان‌ها به ضرب گلوله متوقفمان کردند که پدر جهت پیشروی را در راستای نوار ساحلی دریای خزر تغییر داد.

این سفر دقیقاً با همین مشخصات یک بار در عید و سه بار در تابستان تکرار می‌شد. شما به الان نگاه نکنید که سفر رفتن در زمره کارهای لاکچری قرار گرفته. آن زمان با حقوق اسفند و عیدی پدر عزیز یک ماه می‌رفتیم سفر و علاوه بر سیر و سیاحت، میهمان‌های عید را هم می‌پیچاندیم و از خرید آجیل و میوه هم بی نیاز می‌شدیم.

## تلنگر

### توبه کرده‌ها

رقیه توسلی

- از کی شما فحش یاد گرفتی که من بی‌خبرم؟
- چه می‌دونم.
- بیا پیشِ خاله ببینم چی شد این حرف‌ها رو زدی؟

می‌آید اما نگاهش شرمنده نیست. هنوز در بُهت دو کلمه‌ای هستم که پرتاب کرده سمت عروسکش.

می‌گویم: خُب تعریف کن دستم بیاد «گل ترمه» کجا، فحش کجا؟

نمی‌ترسد، جا نمی‌خورد. جواب می‌دهد: از «پریا». به نظرم خیلی خوبن. تازه فحش کوچولو داریم، فحش بزرگ. من که فحشِ بزرگ نمیدم هیچ وقت. اون مال آدم بزرگاست.

سرم در مقیاس دیگی که عزیز برای دورهمی فامیل آشپزی می‌کرد، سنگین می‌شود. از حرفی که می‌زند، دستم می‌آید که‌ای دل غافل! پس بیشتر از این دو کلمه بلد است. آن قدر می‌داند که تقسیم‌بندی هم می‌کند. بزرگ، کوچک.

می‌خواهم حواسم را از غُرغُر ذهنی دربیاورم که «ملامت خانوم» با اَخم می‌آید چفتم می‌نشیند و بی‌سلام و علیک نِق می‌زند: ناسلامتی خاله ای! کاری کن که این اولین و آخرین بارش باشه گنده حرف می‌زنه. تا جایی که می‌شناسم پدر- مادرش مبادی الزبانند، این دختر به که رفته، الله اعلم؟

زشت گویی گل ترمه و بدآموزی از پریا را می‌توانم درک کنم و کنار «ملامت» و «گلی» نشسته‌ام و سکانس اعتراض و خشم این کودک هفت ساله با عروسکش مدام می‌چرخد توی سرم.

یک آن خون می‌دود توی سرم و بسرعت از دو دوتا چهارتا می‌پرم بیرون و می‌پرسم: گلی برویم ماشین سواری؟

فکر نکرده جواب مثبت می‌دهد و می‌رویم آخرین روزهای زمستان را بگردیم. بی «ملامت خانوم».

هنوز راه نیفتاده‌ایم که عروسکش را می‌گذارم توی بغلش. با تعجب می‌خندد.

می‌گویم: گل ترمه، «نیکو» جان ناراحته... دوتا لفظ بدی که یک ساعت پیش بکار بردی، دلش رو شکوند. میخوام هم ازش عذرخواهی کنی و هم بدونی اون کلمه‌ها، نامناسب و ممنوع هستن. یعنی اگه جایی اون‌ها را شنیدی یا یاد گرفتی باید زودی فراموششون کنی. چون می‌تونن دل مامان و بابا و منو و عروسک و همه آدمایی که خیلی خیلی دوستت دارن رو بشکونه. تازه باید بدونی اگه از چیزی یا کسی عصبانی هستی فقط می‌تونی مؤدبانه باهاش حرف بزنی.

- خاله‌ای؟
- بله عزیزم.
- شما که خودت پشت تلفن یکبار گفتی احمق. دیروز هم که توی کیفت، کلید رو پیدا نکردی گفتی لعنتی.

روانشناس درونم سرافکنده و خجالت زده می‌شود. چنگ می‌زنم به راه میانبر و می‌گویم: پس بیا قول بدیم از این ساعت به بعد اشتباهی حرف نزنیم!

**پی نوشت:** می‌بینم جلوی توفان گرفته می‌شود و «نیکو»جان چطور همسفر دو آدم توبه کرده، با خیال تخت می‌رود دُور دور....

## جدول ۷۴۹۲

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

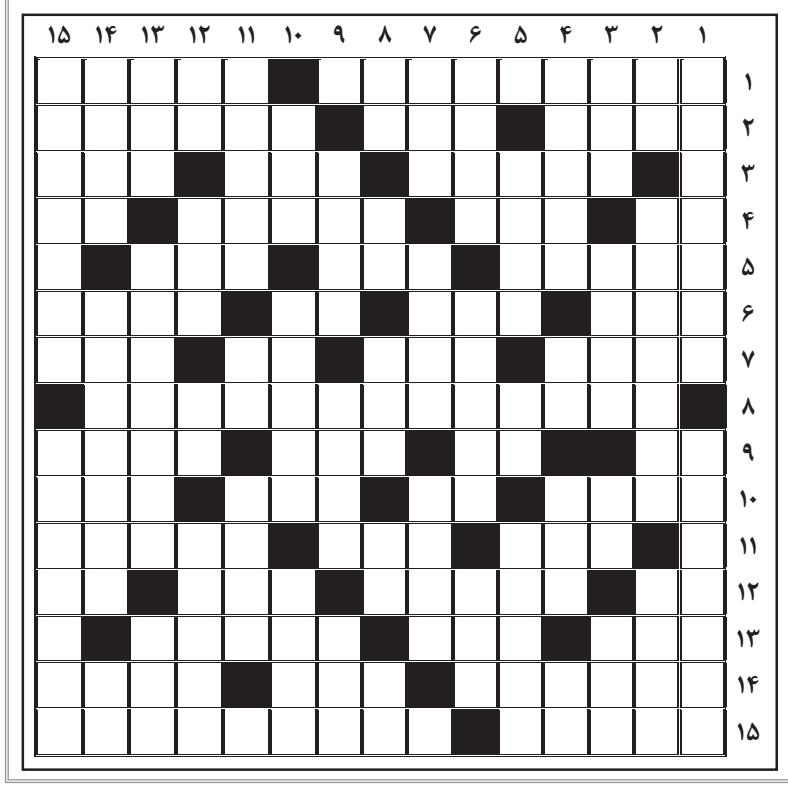

### افقی

۱.«برادران» آن را «داستایوفسکی» نوشته- تیزهوشی ۲. عملیات دفع علف‌های هرز- قوم اروپایی- لباس کشتی ۳. آبروفروشی برای جلب ترحم- بتی در جاهلیت- می‌گویند جواب های است ۴. نشان جمع فارسی- چاهی در جهنم – یار شیرین- نپذیرفته ۵. میوه کمال یافته- حرفی انگلیسی- قیمت ۶. ذره بنیادی- خوردن- طلایه‌دار اعداد- شادی ۷. شهری در افغانستان- مردم- پوستین- محله و برزن ۸. از آثار زیبا و دیدنی کرمان ۹. صوت شگفتی- طایفه‌ای ایرانی- رسوب ته جوی- برودت ۱۰. افراد مورد اعتماد- سعی و تلاش- سخن بلیغ- شهر خروس‌جنگی ۱۱. خریدن- نام پسرانه- نویسنده فرانسوی «شهر گمشده» ۱۲. آب بسته- ماه قمری دوگانه- نظرات و عقاید- دریا ۱۳. عنصر گندزدا- گوشت مرغوب کبابی- خرس درختی ۱۴. معلق و آویخته- مایع حیاتی بدن- روشنایی ۱۵. اندرزها- آگراندیسمان در عکاسی

### عمودی

۱. راه فرعی- پایتخت مذهبی مسیحیان و محل استقرار پاپ ۲. دندان سوهان- طلب ترحم کردن- صداقت در بندگی ۳. بعضی‌ها در کفش دارند- کبوتر صحرایی- سایه- دورویی ۴.آغشته شدن- مثل و مانند- ارزش و احترام- زندگی کردن ۵. صوت ندای عرب- خمیر بتونه- نمک‌ها ۶. نجیب و ریشه‌دار- انجمن- نام قدیم آلمان ۷. طلایی‌رنگ- بزرگ- اولی ، ارجح ۸. کاغذ مرغوب- قیمت بازاری- شناسنامه - شلوار جین- جانوری با پوست مرغوب ۹. اهل هرات- خالی- نابینا ۱۰. ظرف ماست و روغن- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری قطر اجسام مدور- پاندول ۱۱. نام دروازه‌ای در تهران بود- خط‌کش آقای مهندس- شهر تاج محل ۱۲. چاشنی قرمز- عاشر- ذره بی‌ارزش- قرص خواب ۱۳. پول خرد مهاراجه- قهرمان داستان «برباد رفته»- ضمیر تازی ۱۴. نمک ید- هدیه ویژه عروس- نام قدیم اصفهان ۱۵. فقر- آبزی نجار

حل جدول شماره قبل

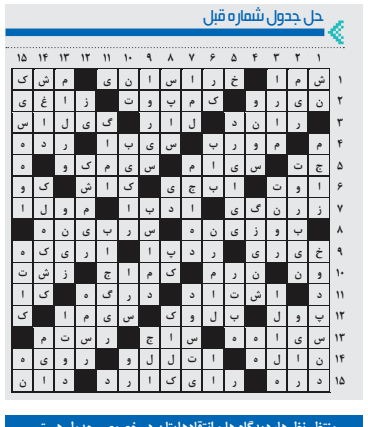

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید